

(امیر زرانروز)

۳- گزینه «۳»

دنباله (الف) دنباله‌ای حسابی است، زیرا:

$$m - 2, m, \frac{2(m+2)}{2} = m + 2, \dots$$

اختلاف مشترک دنباله برابر ۲ است:

$$a_n = a_1 + (n-1)d = m - 2 + (n-1)(2) = m - 2 + 2n - 2$$

$$= m + 2n - 4$$

$$a_{20} = m + 2(20) - 4 = m + 40 - 4 = m + 36$$

$$\Rightarrow a_{20} - a_n = (m + 36) - (m + 2n - 4)$$

$$= m + 36 - m - 2n + 4 = 40 - 2n$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

(مهمر بصیرایی)

۴- گزینه «۴»

با توجه به رابطه $d = \frac{b-a}{m+1}$ داریم: a و b دو عددی که می‌خواهیم بین آن‌ها m واسطه حسابی قرار دهیم.

$$d = \frac{(\Delta x + 4) - (3x - 1)}{4 + 1} = \frac{2x + 5}{5} \quad (I)$$

از طرفی اختلاف بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین واسطه حسابی برابر $2x - 1$ است، پس:

$$d = \frac{2x - 1}{3} \quad (II)$$

$$\frac{(I), (II)}{\Delta} \rightarrow \frac{2x + 5}{5} = \frac{2x - 1}{3} \Rightarrow 6x + 15 = 10x - 5$$

$$\Rightarrow 4x = 20 \Rightarrow x = 5 \Rightarrow d = \frac{2 \times 5 - 1}{3} = 3$$

داده‌ها: ۱۴, ۱۷, ۲۰, ۲۳, ۲۶, ۲۹

مجموع دو واسطه خواسته شده $20 + 23 = 43$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)

(مهمر ابراهیم توزنره بانی)

۵- گزینه «۴»

$$(a_7)^2 - (a_5)^2 = (a_7 - a_5)(a_7 + a_5) = 4d$$

$$(2d)(a_7 + a_5) = 4d \Rightarrow (a_7 + a_5) = \frac{4d}{2d} = 2$$

به نکته زیر توجه کنید:

در یک دنباله حسابی اگر k و c و n و m اعداد طبیعی باشند و

$$a_m + a_n = a_c + a_k \quad m + n = c + k$$

$$a_4 + a_8 = a_5 + a_7 = 2$$

حال داریم:

$$a_4 + a_5 + a_7 + a_8 = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۲»

(مهمر بصیرایی)

در یک دنباله حسابی اگر رابطه $m + n = p + q$ برقرار باشد، آنگاه رابطه

$$a_m + a_n = a_p + a_q$$

عمومی $a_n = a_1 + (n-1)d$ این رابطه اثبات می‌شود.

حال چون $1 + 7 = 5 + 3$ پس $a_1 + a_7 = a_5 + a_3$ است، در نتیجه:

$$5k + 4 = 4k + 7 \Rightarrow k = 3$$

$$a_1 + a_7 = 19 \Rightarrow a_1 + a_1 + 6d = 19$$

بنابراین:

$$\Rightarrow 2a_1 + 6d = 19$$

$$a_7 = 5/5 \Rightarrow a_1 + d = 5/5$$

$$\Rightarrow \begin{cases} 2a_1 + 6d = 19 \\ a_1 + d = 5/5 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 2a_1 + 6d = 19 \\ -2a_1 - 2d = -11 \end{cases}$$

$$\Rightarrow 4d = 8 \Rightarrow d = \frac{8}{4} = 2$$

$$\Rightarrow a_1 + 2 = 5/5 \Rightarrow a_1 = 3/5$$

$$\Rightarrow a_{10} = 3/5 + 9 \times 2 = 21/5$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)

۲- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

ضابطه جمله عمومی یک دنباله حسابی به صورت $t_n = an + b$ است،

پس ضریب n^2 باید برابر صفر باشد:

$$b - 2 = 0 \Rightarrow b = 2$$

از طرفی هر جمله از جمله ماقبل خود $2/5$ واحد بیشتر است، پس:

$$d = a = 2/5$$

حال داریم:

$$t_n = 2/5n - 3(2) \Rightarrow t_n = 2/5n - 6$$

حال نسبت خواسته شده را به دست می‌آوریم:

$$\frac{t_{30}}{t_{18}} = \frac{2/5(30) - 6}{2/5(18) - 6} = \frac{75 - 6}{45 - 6} = \frac{69}{39} = \frac{23}{13}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)

۶- گزینه «۲»

(علی حسینی نوه)

از آنجایی که جملات سوم و نهم برابر جواب‌های معادله هستند، پس مجموع دو جمله از دنباله حسابی برابر مجموع جواب‌های معادله است، پس:

$$a_3 + a_9 = \frac{\text{قرینه ضرب } x}{\text{ضرب } x^2} \Rightarrow a_1 + 2d + a_1 + 8d = \frac{-(-5)}{1}$$

$$\Rightarrow 2a_1 + 10d = 5$$

$$2(a_1 + 5d) = 5 \Rightarrow a_1 + 5d = \frac{5}{2} \quad a_1 + 5d = a_6 \rightarrow a_6 = \frac{5}{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)

۷- گزینه «۳»

(مهم نظامی)

طول پله نخست A سانتی‌متر، پله دوم $A - \frac{1}{20}A$ سانتی‌متر، پله سوم

$A - \frac{1}{20}A - \frac{1}{20}A$ سانتی‌متر و ... و طول پله n ام $\frac{1}{4}A$ سانتی‌متر

است.

واضح است که این تعداد تشکیل یک دنباله حسابی با جمله اول A و

اختلاف مشترک $-\frac{1}{20}A$ می‌دهند. کافی است ابتدا n را به دست آوریم:

$$-\frac{1}{20}A = \frac{-\frac{3}{4}A}{n-1} \Rightarrow -\frac{1}{20}nA + \frac{1}{20}A = -\frac{3}{4}A$$

$$\Rightarrow n = \frac{-\frac{3}{4}A - \frac{1}{20}A}{-\frac{1}{20}A} = \frac{-\frac{16}{20}A}{-\frac{1}{20}A} = 16$$

یعنی در آخرین پله (پله شانزدهم) طول پله $\frac{1}{4}A$ طول پله اول است. طبق

گفته سؤال مجموع طول چوب‌های این شانزده پله ۲۰ متر که برابر با

۲۰۰۰ سانتی‌متر است، می‌باشد، پس مجموع ۱۶ جمله اول این دنباله

حسابی برابر با ۲۰۰۰ است:

$$S_{16} = 2000 \Rightarrow 2000 = \frac{16}{2}(A + \frac{1}{4}A)$$

$$\Rightarrow 2000 = 8(\frac{5}{4}A) \Rightarrow 2000 = 10A \Rightarrow A = 200 \text{ متر}$$

بنابراین طول آخرین پله، $\frac{1}{4}(200) = 50$ سانتی‌متر است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۲)

۸- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

مجموع n جمله اول دنباله حسابی با استفاده از رابطه

$$S_n = \frac{d}{2}n^2 + (a_1 - \frac{d}{2})n$$

داده شده در صورت سؤال داریم:

$$\begin{cases} k-1=0 \Rightarrow k=1 \\ \frac{d}{2} = 2 \Rightarrow d=4 \\ a_1 - \frac{d}{2} = 1 \Rightarrow a_1 - 2 = 1 \Rightarrow a_1 = 3 \end{cases}$$

با داشتن اختلاف مشترک (d) و جمله اول (a_1) می‌توانیم جمله

عمومی دنباله را به دست بیاوریم:

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow a_n = 3 + (n-1) \times 4 = 3 + 4n - 4$$

$$\rightarrow a_n = 4n - 1$$

در نهایت داریم:

$$a_7 = 4(7) - 1 = 27$$

$$\frac{1}{3}a_7 - 3k = \frac{1}{3}(27) - 3(1) = 9 - 3 = 6$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۲)

۹- گزینه «۲»

(فرشید کریمی)

جمله عمومی دنباله حسابی داده شده، برابر است با:

$$\frac{61-9}{2} + 1 = 27$$

تعداد جملات داده شده برابر است با:

$$a_9 = 4(9) - 3 = 33$$

$$a_{61} = 4(61) - 3 = 241$$

$$S = \frac{27}{2}(a_9 + a_{61}) = \frac{27}{2}(33 + 241)$$

$$= 27 \times 137 = 3699$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۲)

۱۰- گزینه «۳»

(امیر محمودیان)

تعداد توپ‌های چیده شده تشکیل دنباله حسابی می‌دهد. ابتدا باید بدانیم

که برای برداشت ۶۶ توپ باید چند مرحله این کار را انجام دهد. به عبارتی

مجموع چند جمله اول دنباله حسابی توپ‌ها برابر ۶۶ است؟

$$S_n = 66 \Rightarrow \frac{n}{2}[2 + (n-1) \times 1] = 66 \Rightarrow \frac{n}{2}[2 + n - 1] = 66$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۲)

(کتاب آبی پیمانهای)

۱۲- گزینه «۳»

با اضافه کردن مقدار ثابت x ، جملات به صورت زیر در می آیند:

$$t_1 = 20 + x, t_2 = 50 + x, t_3 = 100 + x$$

این دنباله، هندسی است؛ پس رابطه زیر برقرار است:

$$\frac{t_3}{t_2} = \frac{t_2}{t_1} \Rightarrow t_2^2 = t_1 t_3 \Rightarrow (50 + x)^2 = (20 + x)(100 + x)$$

$$\Rightarrow x^2 + 100x + 2500 = x^2 + 120x + 2000 \Rightarrow 20x = 500$$

$$\Rightarrow x = 25$$

$$t_1 = 45, t_2 = 75, t_3 = 125$$

$$\text{نسبت مشترک} = \frac{t_2}{t_1} = \frac{75}{45} = \frac{5}{3}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

(سعید عزیززقانی)

۱۳- گزینه «۲»

طبق ضابطه بازگشتی، دنباله داده شده، دنباله هندسی است و نسبت مشترک آن برابر با $r = \frac{1}{4}$ است. چون $a_1 > 0$ و $0 < r < 1$ است، پس دنباله کاهشی است و بیشترین اختلاف بین جملات اول و دوم دنباله اتفاق می افتد.

$$\text{بیشترین اختلاف} = a_1 - a_2 = 100 - \frac{1}{4} \times 100$$

$$= 100 - 25 = 75$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

(مهدا ابراهیم توژندهانی)

۱۴- گزینه «۲»

جملات اول و پنجم و هفدهم دنباله حسابی به صورت $a + 16d, a + 4d, a$ هستند. چون این جملات، تشکیل دنباله هندسی می دهند. پس می توان نوشت:

$$a(a + 16d) = (a + 4d)^2 \Rightarrow a^2 + 16ad = a^2 + 16d^2 + 8ad$$

$$\Rightarrow 8ad = 16d^2 \xrightarrow{d \neq 0} a = 2d$$

با جایگذاری $a = 2d$ ، جملات $a + 16d, a + 4d, a$ به صورت $18d, 6d, 2d$ در می آیند. چون این اعداد، جملات متوالی دنباله هندسی اند. پس $r = 3$ می شود. حال مجموع ۴ جمله اول دنباله هندسی را به دست می آوریم:

$$S_4 = \frac{a(1-r^4)}{1-r}$$

$$= \frac{a(1-3^4)}{1-3} = \frac{a(-80)}{-2} = a \times 40 = 40a$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

$$\Rightarrow \frac{n}{2}(n+1) = 66$$

$$\Rightarrow n(n+1) = 132 \xrightarrow{\text{حس } n \text{ های طبیعی}} \frac{n(n+1) = 11 \times 12}{n(n+1) = 11 \times 12} \rightarrow n = 11$$

یعنی این دونه باید ۱۱ مرحله توپ جمع کند:

برای برداشتن توپ اول و انداختن آن به داخل سبد باید ۱۸ + ۱۸ یعنی ۳۶ متر طی کند.

برای برداشتن دو توپ بعدی (مرحله دوم) و انداختن آن به داخل سبد باید $2 \times (18 + 3) = 42$ متر طی کند.

برای برداشتن سه توپ بعدی (مرحله سوم) و انداختن آن‌ها به داخل سبد باید $2 \times (18 + 3 + 3) = 48$ متر طی کند و به همین ترتیب پس باید مجموع ۱۱ جمله اول این دنباله حسابی محاسبه شود:

$$S_n = \frac{11}{2} [2 \times 36 + (11-1) \times 6] = \frac{11}{2} [72 + 60]$$

$$= \frac{11}{2} \times 132 = 726$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطبی، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۲)

ریاضی و آمار (۳) - اختیاری

۱۱- گزینه «۱»

(مهدا ابراهیم توژندهانی)

سه جمله متوالی دنباله هندسی را $\frac{a}{r}, a, ar$ در نظر می گیریم:

$$\begin{cases} \frac{a}{r} + a + ar = 12 \\ \frac{a}{r}(ar) = 64 \Rightarrow a^2 = 64 \Rightarrow a = 4 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{\text{جایگذاری } a=4} \frac{4}{r} + 4 + 4r = 12$$

$$\Rightarrow \frac{4}{r} + 4r = 8 \xrightarrow{\text{ضرب در } r}$$

$$4 + 4r^2 - 8r = 0 \Rightarrow 4(r^2 - 2r + 1) = 0 \Rightarrow r = 1$$

چون $r = 1$ شد، دنباله هندسی از نوع ثابت است و تمام جملات دنباله با هم برابرند لذا:

$$a_2 = a_3 \Rightarrow \frac{a_2}{a_3} = 1$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

۱۵- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانهای)

اگر یک دنباله هندسی با جمله اول x و نسبت مشترک $r = -\frac{1}{2}$ را در نظر

بگیریم، ابتدا تعداد جملات $\frac{-x}{512}, \dots, \frac{x}{4}, -\frac{x}{2}, x$ را به دست می آوریم:

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow -\frac{x}{512} = x \left(-\frac{1}{2}\right)^{n-1}$$

$$\Rightarrow -\frac{1}{512} = \left(-\frac{1}{2}\right)^{n-1} \Rightarrow \left(-\frac{1}{2}\right)^9 = \left(-\frac{1}{2}\right)^{n-1} \Rightarrow n = 10$$

طبق صورت سؤال مجموع ۱۰ جمله ابتدایی این دنباله برابر با $\frac{1}{9}$ شده

است:

$$S_{10} = \frac{1}{9} \Rightarrow \frac{x(1 - (-\frac{1}{2})^{10})}{1 - (-\frac{1}{2})} = \frac{1}{9}$$

$$\frac{2}{3}x \left(\frac{1023}{1024}\right) = \frac{1}{9} \Rightarrow x = \frac{512}{3069}$$

(ریاضی و آمار (۱۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

ریاضی و آمار (۱)

۱۶- گزینه «۲»

(معمد بصیرایی)

چون میانه داده‌ها برابر $\frac{4}{5}$ است، پس تعداد داده‌ها باید زوج باشد و دو

داده وسطی ۴ و ۵ باشند، پس تعداد داده‌های کمتر از $\frac{4}{5}$ با تعداد

داده‌های بزرگ‌تر از $\frac{4}{5}$ باید برابر باشند. چون ۸ داده کمتر از $\frac{4}{5}$

داریم پس تعداد نقطه‌های روی ۶ باید ۲ تا باشد تا ۸ داده بزرگ‌تر از

$\frac{4}{5}$ هم داشته باشیم.

حال میانگین داده‌ها را به دست می آوریم:

$$\bar{x} = \frac{2 \times 1 + 3 \times 2 + 2 \times 3 + 1 \times 4 + 2 \times 5 + 2 \times 6 + 4 \times 7}{16}$$

$$= \frac{2 + 6 + 6 + 4 + 10 + 12 + 28}{16} = \frac{68}{16} = \frac{17}{4}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۱۰)

۱۷- گزینه «۲»

(معمد ابراهیم توزنده‌بانی)

در نمودار دایره‌ای داریم:

$$\text{فراوانی آن دسته} = \frac{\text{زاویه مربوط به هر دسته}}{\text{فراوانی کل}} \times 360$$

حال با توجه به رابطه فوق و تساوی زیر داریم:

$$\text{فراوانی کل} = 30 + 90 + 180 + 120 + 30 = 450$$

زاویه گروه‌های مدنظر را به دست می آوریم.

$$\text{زاویه مربوط به دیپلم} = \frac{30}{450} \times 360 = 24$$

$$\text{زاویه مربوط به ارشد} = \frac{120}{450} \times 360 = 96$$

$$\text{زاویه مربوط به دکترا} = \frac{30}{450} \times 360 = 24$$

حال میانگین ۳ زاویه (۲۴، ۹۶، ۲۴) را حساب می کنیم.

$$\text{میانگین} = \frac{24 + 24 + 96}{3} = \frac{144}{3} = 48$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۵)

۱۸- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

می دانیم اگر انحراف معیار تعدادی داده صفر باشد، همه آن داده‌ها با هم

برابند.

انحراف معیار و میانگین داده‌های x_1 تا x_5 به ترتیب برابر صفر و ۴ است،

پس همه آن‌ها برابر عدد ۴ هستند.

$$x_1 = x_2 = x_3 = x_4 = x_5 = 4$$

حال داده‌های جدید را می نویسیم:

$$x_1, 2x_2 - 3, x_3 + 2, \frac{x_4}{2}, 2x_5$$

$$\Rightarrow 4, 5, 6, 2, 8$$

میانگین را حساب می کنیم:

$$\bar{x} = \frac{4 + 5 + 6 + 2 + 8}{5} = \frac{25}{5} = 5$$

انحراف معیار برابر است با:

$$\sigma = \sqrt{\frac{(4-5)^2 + (5-5)^2 + (6-5)^2 + (2-5)^2 + (8-5)^2}{5}}$$

$$= \sqrt{\frac{1 + 0 + 1 + 9 + 9}{5}} \Rightarrow \sigma = \sqrt{4} = 2$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۹۰)

در نتیجه درصد دانش آموزانی که گروه خونی AB دارند برابر است با:

$$\frac{y}{2} = \frac{30}{2} = 15 \text{ درصد}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۵)

(سعید عزیزقانی)

۲۱- گزینه «۳»

در طراحی پرسش‌نامه سؤالات نباید جهت‌دار باشد تا ذهن پاسخگو در جواب دادن به سؤالات آزاد باشد.

(ریاضی و آمار (۱)، کالر یا داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۸)

(کتاب آبی پیمان‌های)

۲۲- گزینه «۴»

داده‌های داخل و روی جعبه: داده‌های بزرگتر یا مساوی Q_1 و کوچکتر یا مساوی Q_3 هستند.

$$1, 3, 5, 7, 8, 9, 11, 12, 14, 16, 19, 20, 21, 23$$

$$\downarrow \quad \downarrow$$

$$Q_1 = 7 \quad Q_3 = \frac{11+12}{2} = 11.5 \quad Q_2 = 19$$

داده‌های داخل و روی جعبه = ۷, ۸, ۹, ۱۱, ۱۲, ۱۴, ۱۶, ۱۹

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{7+8+9+11+12+14+16+19}{8} = \frac{96}{8} = 12$$

$$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{(7-12)^2 + (8-12)^2 + (9-12)^2 + (11-12)^2}{8}$$

$$+ \frac{(12-12)^2 + (14-12)^2 + (16-12)^2 + (19-12)^2}{8}$$

$$= \frac{25+16+9+1+0+4+16+49}{8} = \frac{120}{8} = 15 \Rightarrow \sigma = \sqrt{15}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۹)

(کتاب آبی پیمان‌های)

۲۳- گزینه «۳»

نسبت مربع شعاع‌ها برابر با نسبت متغیرهای سوم است:

$$\frac{A \text{ متغیرسوم}}{B \text{ متغیرسوم}} = \left(\frac{r_A}{r_B}\right)^2 \Rightarrow \frac{A}{B} = \left(\frac{4}{2}\right)^2 \Rightarrow \frac{A}{B} = 4 \Rightarrow A = 4B$$

مجموع A و B برابر ۳۰ است، پس:

$$A + B = 30 \Rightarrow 4B + B = 30 \Rightarrow B = 6$$

$$A = 4 \times 6 = 24$$

پس:

$$A - B = 24 - 6 = 18$$

در نتیجه:

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۰ تا ۱۱۲)

۱۹- گزینه «۲»

(مفرد نظامی)

با توجه به شکل، کوچک‌ترین داده برابر ۳ است، همچنین تعداد داده‌های پس از میانه ۴ تا است، پس داده‌های قبل از میانه نیز تعدادشان ۴ تا است.

۳, a, b, c

می‌دانیم طول سیل سمت چپ برابر است با:

$$Q_1 - \min$$

پس برای این که طول سیل سمت چپ بیش‌ترین مقدار ممکن شود باید Q_1 بیش‌ترین مقدار ممکن باشد.

$$Q_1 = \frac{a+b}{2}$$

تمام داده‌های ما فرد هستند و برای این که بیش‌ترین مقدار ممکن برای Q_1 حاصل شود، می‌توانیم a, b, c را نزدیک‌ترین مقدار ممکن به میانه (۱۲) در نظر بگیریم:

۳, ۱۱, ۱۱, ۱۱

در این صورت داریم:

$$Q_1 = \frac{11+11}{2} = 11$$

حال برای به‌دست آوردن طول سیل سمت چپ داریم:

$$11 - 3 = 8$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۹)

۲۰- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

با توجه به نمودار میله‌ای داریم:

$$x + 15 + x + y + \frac{y}{2} = 100$$

$$\Rightarrow 2x + \frac{3y}{2} = 85$$

زاویهٔ مربوط به گروه خونی B، 72° است، پس:

$$\frac{72^\circ}{36^\circ} = \frac{x}{100} \Rightarrow x = \frac{100 \times 72^\circ}{36^\circ} = 200$$

حال مقدار y را به‌دست می‌آوریم:

$$2x + \frac{3y}{2} = 85 \xrightarrow{x=20} 40 + \frac{3y}{2} = 85$$

$$\Rightarrow \frac{3y}{2} = 45 \Rightarrow y = 30$$

علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)

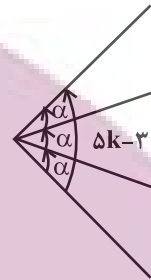
۲۴- گزینه «۱»

(سعید عزیزقانی)

اگر زاویه بین هر محور در نمودار راداری را با α و تعداد محورها را با n نمایش دهیم، داریم:

$$n = \frac{360}{\alpha} \quad n=15 \rightarrow 15 = \frac{360}{\alpha} \Rightarrow \alpha = \frac{360}{15} = 24$$

در شکل داده شده زاویه $5k-3$ نشان داده شده، برابر با 3α است:



$$5k-3 = 3\alpha \quad \alpha=24 \rightarrow 5k-3 = 72 \Rightarrow 5k = 75 \Rightarrow k = 15$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

۲۵- گزینه «۳»

(مهمربیرایی)

ابتدا با توجه به اعداد روی محور و تناسب زیر، مقدار هر داده را به دست می‌آوریم:

$$\frac{\text{مقدار داده}}{\text{مقدار max}} = \frac{\text{عدد روی محور}}{100}$$

$$\frac{70}{100} = \frac{A}{20} \Rightarrow A = 14$$

$$\frac{80}{100} = \frac{B}{18} \Rightarrow B = 14/4$$

$$C = 15$$

$$\frac{40}{100} = \frac{D}{19} \Rightarrow D = 7/6$$

$$\frac{60}{100} = \frac{E}{20} \Rightarrow E = 12$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{14 + 14/4 + 15 + 7/6 + 12}{5}$$

$$\bar{x} = \frac{63}{5} = 12/6$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

۲۶- گزینه «۳» (سعید علی‌رضا علویان)

شاعران این دوره تشخیص داده بودند که سبک عراقی (نه هندی) از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته است و با ادامه پایبندی به سنن ادبی ناپود می‌شود. باقی گزینه‌ها درست هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۲۷- گزینه «۴» (مجتبی فرهادی)

تشریح موارد نادرست:

«ب»: بیان روایی و داستانی، حماسی بودن زبان، کهن‌گرایی، به‌کارگیری ترکیبات زیبا و خوش‌آهنگ و برخی از کاربردهای نحوی سبک خراسانی از ویژگی‌های شعر مهدی اخوان ثالث است.

«د»: در سال ۱۳۰۱، همزمان با «یکی بود، یکی نبود» اثر محمدعلی جمال‌زاده، اولین نمایشنامه فارسی معاصر با عنوان «جعفرخان از فرنگ برگشته» به قلم حسن مقدم نوشته شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۲، ۷۳، ۷۸ و ۷۹)

۲۸- گزینه «۳» (مجتبی فرهادی)

- کلیم کاشانی در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره، سخن کلیم را برجسته کرده است.
- مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیلات رمزآمیز شاعرانه از ویژگی‌های شعر بیدل است.
- صائب تیریزی را خداوندگار مضامین تازه شاعری دانسته‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه ۶۱)

۲۹- گزینه «۱» (یاسین مهریان)

«ظهور» اثر علی مؤذنی است.

باقی عبارات کاملاً درست هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۱، ۷۴ تا ۸۰)

۳۰- گزینه «۳» (شیوا نظری)

زبان فارسی تا زمان آغاز حاکمیت استعمار انگلیس، زبان رسمی هند بود نه پس از آن.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۳۱- گزینه «۱»

(فره‌ار علی‌نژاد)

صادق هدایت، صادق چوبک و بزرگ علوی از نویسندگان نسل اول ادبیات معاصر هستند. پس از آن‌ها سبک تلفیقی را داریم که جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، تقی مدرسی، محمود اعتمادزاده، غلامحسین ساعدی و جمال میرصادقی اشاره کرد.

شاخه نخست از ادبیات پس از انقلاب: شاخه نیرومندی از ادب انقلاب که با تکیه بر پشتوانه ادبی و تلفیق آن با ارزش‌های نوین به‌عنوان جریان‌ی پیش‌کسوت و کمال‌یافته شناخته می‌شوند، مانند قیصر امین‌پور، سید علی موسوی گرم‌رودی، حمید سبزواری، سید حسن حسینی و نصرالله مردانی.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۷۳، ۷۶ و ۷۷)

۳۲- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا امیری)

تشبیه گسترده: همچو شمع / استعاره مصرحه: «آتش دل» / استعاره مکنیه: «آب رخ شمع»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تشبیه و استعاره مکنیه ندارد. / استعاره مصرحه: «مه پرده‌سرا»
گزینه «۲»: تشبیه فشرده: «تیغ حوادث» / استعاره مکنیه: «سرزنش تیغ حوادث» / استعاره مصرحه: «شه بحر»

گزینه «۳»: فاقد تشبیه و استعاره مصرحه / استعاره مکنیه: «ساغر خون‌خوار»، «دویدن، طلب کردن و دامن گرفتن توسط اشک» و «دامن ساغر»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۳- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

حذف مشبه‌به، باعث ایجاد استعاره مکنیه می‌شود. در این گزینه «سوگوار بودن بنفشه»، مشبه‌به محذوف دارد. (بنفشه مثل انسان سوگوار می‌شود.) / انسان حذف شده است. هم‌چنین است نشستن سمن (سمن مانند انسان بر خاک می‌نشیند).

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۴- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا امیری)

«لب جام» اضافه استعاری است. دقت کنید که «لبه جام» نمی‌تواند اضافه استعاری باشد.

در سایر گزینه‌ها ترکیب‌های «گوش استماع»، «سر طاعت» و «چشم طمع» اضافه اقترانی هستند. در اضافه اقترانی تشبیه هست و نه استعاره.

وجه افتراق اضافه اقترانی و اضافه استعاری در عینیت داشتن اضافه اقترانی و توهمی بودن اضافه استعاری است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۵- گزینه «۴»

(مهم‌امین راداش‌فام)

نوع استعاره به‌کار رفته در این بیت مکنیه است.

پند دادن معرفت، تشخیص و استعاره مکنیه است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «گل» استعاره مصرحه از معشوق است.

گزینه «۲»: «پسته» استعاره مصرحه از دهان معشوق است و «قند» استعاره مصرحه از لب معشوق است.

گزینه «۳»: «ستاره» استعاره مصرحه از اشک است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۶- گزینه «۲»

(مجتبی‌فره‌اری)

اغراق: اگر شاعر ناله کند کل جهان مانند ماتم‌سرا می‌شود. / ایهام: «از نوا افتم» دو معنا دارد: ۱- بدبخت شوم ۲- ناله کنم (خاموش شوم) / استعاره: رقصیدن

آسمان (تشخیص و استعاره)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اغراق: تر کردن همه برگ‌های سرو با اشک اغراق دارد / ایهام: / استعاره: دقت کنیم در این بیت استعاره نداریم و سرو در معنای درخت سرو است نه معشوق.

گزینه «۳»: اغراق: فاقد اغراق / ایهام: «عزیز» دو معنا دارد: ۱- عزیز مصر ۲-

عزیز و گرامی / استعاره: یوسف: استعاره از سخن ارزشمند و گران‌بها

گزینه «۴»: اغراق: - / ایهام: پروانه: ۱- جواز ۲- حشره / استعاره: زبان‌آوری شمع

(علوم و فنون ادبی (۳) و (۲)، بیان و بدیع معنوی، ترکیبی)

۳۷- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا امیری)

استعاره مکنیه: آشفته بودن آبی که در کف روان است. / «سرو» در این بیت معنای حقیقی دارد و استعاره نیست.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: استعاره: «سرو» استعاره از یار است. / تشخیص: رنگم می‌پرد

گزینه «۲»: «سرو» استعاره از یار / تشخیص: برخاستن غبار

گزینه «۴»: «لعل» استعاره از لب / تشخیص: کام صدف

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۸- گزینه ۲»

(یاسین موریان)

در این بیت، ترکیب «لب لعل»، اضافه استعاری است و شاعر، برای سنگ لعل، لب در نظر گرفته است که همین امر، پدیدآورنده اضافه استعاری و تشخیص است.

معنای بیت: لبِ سنگ لعل، در مقایسه با لب یار، توانایی مبارزه کردن را نداشت و شکست خورد. به همین دلیل، سنگ لعل، شرمگین شده است (اشاره به رنگ قرمز سنگ لعل).

می بینیم که شاعر در تصویرسازی زیبایی، لب یار خود را بر لب سنگ لعل، برتری می دهد.

توجه: «ش» در «لب لعلش»، جهش ضمیر دارد و به «لب» باز می گردد.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: «لب لعل» اضافه تشبیهی است. / توجه: «لب لعل» منادا نیست و منادای این بیت، محذوف است: ای [کسی که] لب لعل تو...

گزینه «۳»: «لب لعل» اضافه تشبیهی است.

گزینه «۴»: «لب لعل» اضافه تشبیهی است. / توجه: منظور از «سنگ» در مصراع اول، سنگ لعل نیست و شاعر، با بیان مثالی (سبزه ای که نمی تواند از زیر سنگ بیرون بیاید)، مفهوم اصلی را قابل فهم تر کرده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۹- گزینه ۴»

(سیرعلیرضا اهمری)

«سنبل» استعاره از «مو» است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: «زلف سنبل» اضافه استعاری است، پس «سنبل» در معنای حقیقی خود به کار رفته است.

گزینه «۲»: «سنبل» در معنای حقیقی خود یعنی «گیاه سنبل» به کار رفته است.

گزینه «۳»: «جعد سنبل» اضافه تشبیهی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۴۰- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا اهمری)

در سه گزینه دیگر اختیار «فاعلاتن به جای فعلاتن» به کار رفته است.

وزن گزینه «۳»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» می باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۸۵)

۴۱- گزینه ۲»

(سیرعلیرضا اهمری)

در این بیت قلب نداریم.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: در مصراع اول در «عاشق از» ابدال صورت گرفته است و به جای رکن مفتعلن، مفعولن آمده است.

گزینه «۳»: در «شد و» مصوت کوتاه «ُ» بلند تلفظ می شود.

گزینه «۴»: «رسید» هجای کشیده است که بلند در نظر گرفته می شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۲- گزینه ۲»

(سیرعلیرضا اهمری)

در رکن آخر مصراع اول، فعلن به فعلن تبدیل شده است و در مصراع دوم گزینه «۲»، مفعولن به جای فعلاتن آمده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۳- گزینه ۴»

(یاسین موریان)

قافیه بیت، مطابق قاعده ۲ سروده شده است، زیرا که «ست» در «برخواست»، جزء خود کلمه است و نمی توان آن را مخفف «است» محسوب کرد. بنابراین، بیت مردّف نیست و «ست» حروف اصلی قافیه هست.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: تشبیه: فرآش خزان؛ نقاش صبا / مجاز: «چمن» مجاز از «باغ»

گزینه «۲»: کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند: مصوت بلند «ی» در واژه «آدمی»، کوتاه تلفظ می شود.

گزینه «۳»: سعدی در این بیت، خود را در تضادی شاعرانه، در مقابل دانایان قرار می دهد و ناله عاشقانه را، بر خلاف اندیشه عاقلان می داند. [سعدی (نماینده عشق) با دانا (نماینده عقل) در تضاد است.]

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، ترکیبی)

۴۴- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمانهای - سراسری ۱۴۰۰)

مفهوم مشترک ابیات گزینه های «۱ و ۲ و ۳»: تا جهان هست عشق و محبت هم خواهد بود؛ هر چند برخی از انسان ها بروند و برخی دیگر جای آن ها را بگیرند.

مفهوم بیت گزینه «۴»: عشق بود که باعث شد جهان هستی به وجود بیاید و شور و غوغایی در آن برپا کرد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۰)

۴۵- گزینه «۴»

مفهوم بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۴»: تلاش‌های من (شاعر) همواره برای نفع رساندن به مردم بوده و خودم هیچ‌گاه به دنبال نفع شخصی نبوده‌ام. در بیت صورت سؤال شاعر از تصویر سوختن شمع و در بیت گزینه «۴» از خم شدن کمان برای بیان این مفهوم کمک گرفته است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۷۰)

علوم و فنون ادبی (۳) - اختیاری

۴۶- گزینه «۴»

این گزینه ایهام دارد: ۱- آشوب ۲- شیفتگی و عاشقی

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: معنای قابل قبول: همیشه و در معنای غیرقابل قبول شراب با خراب تناسب دارد.

گزینه «۲»: معنای قابل قبول: محبت و در معنای غیرقابل قبول خورشید با سپهر تناسب دارد.

گزینه «۳»: معنای قابل قبول: دیشب و در معنای غیرقابل قبول کتف با چشم و رخ تناسب دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، ترکیبی)

۴۷- گزینه «۴»

«منصور» در این بیت ایهام دارد:

۱- در راه عشق هر جا برود، مانند منصور حلاج است.

۲- در راه عشق هر جا برود، پیروز و سربلند است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «خراب» ایهام تناسب ساخته است: ۱- ویران و تخریب شده (معنای قابل قبول) ۲- مست و بی‌خود (که در این معنی با می تناسب دارد)

گزینه «۲»: «تیر» ایهام تناسب ساخته است: ۱- چوب راست و باریک که ابزار جنگ است (معنای پذیرفتنی) ۲- سیاره عطارد (که با قمر تناسب دارد)

گزینه «۳»: «آیت» ایهام تناسب دارد: ۱- نشانه (معنای پذیرفتنی) ۲- آیه قرآن (که با تفسیر تناسب دارد).

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

۴۸- گزینه «۱»

تشبیه در بیت «ب»: طبع را مردوار بشکن، غار وحدت / ایهام در بیت «ه»: بو در دو معنی به کار رفته است: ۱- آرزو و امید ۲- رایحه و عطر / اغراق در بیت «ج»: شاعر در بیان و توصیف بزرگنمایی کرده است به طوری که حتی کوه ممکن است فرو بریزد و مانند هامون بشود. / کنایه در بیت «د»: جان فشاندن کنایه از وجود مادی خویش را فدا کردن / استعاره در بیت «الف»: روی (صورت) روز اضافه استعاری است.

رد سایر گزینه‌ها:

بیت «الف» فاقد اغراق است (رد گزینه ۲)

بیت «ب» فاقد ایهام است (رد گزینه ۳)

بیت «د» فاقد ایهام است (رد گزینه ۴)

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع و بیان، ترکیبی)

۴۹- گزینه «۳»

ایهام: «پست»: ۱- بی‌ارزش، ۲- کم‌ارتفاع / تشبیهات: ۱- خورشید عارض (اضافه تشبیهی)، ۲- چون ذره ... ، ۳- چون سایه ...

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاقد ایهام («لب» ایهام تناسب دارد) / تشبیهات: ۱- چو ماه نو... ، ۲- تیرباران (تشبیه درون‌واژه‌ای)، ۳- تشبیه انگشت اشاره به تیر

گزینه «۲»: ایهام: «نواختن»: ۱- آهنگ و ساز زدن، ۲- دلجویی و نوازش کردن / تشبیهات: ۱- همچو چنگ... ، ۲- چو نی...

گزینه «۴»: فاقد ایهام («کف» در مصراع اول، ایهام تناسب دارد) / تشبیهات: ۱- چون کف دریا... ، ۲- چون دریا...

(علوم و فنون ادبی (۳) و (۲)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۵۰- گزینه «۲»

شاعر در این بیت، در بیان شدت گریه اغراق کرده است و با استفاده از تضمین آیه‌ای از آیات قرآن، این اغراق را نمایان ساخته است. در سایر گزینه‌ها اغراق دیده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، ترکیبی)

۵۱- گزینه «۲»

الف) به خویشتن رفتن کنایه از به تنهایی رفتن
ب) تشبیه مضمَر در تشبیه صورت به لاله و خط به سبزه
ج) ایهام «در گرفت» دوم: ۱- آتش گرفتن ۲- به‌دست آوردن و مسلط شدن
د) اغراق در وجود اندوه و غم
و) بار در مصراع دوم استعاره از عشق می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۵۲- گزینه «۴»

(یاسین موریان)

اغراق: زیاده‌روی شاعر در توصیف زیبایی دهان یار، به‌گونه‌ای که می‌گوید زیاتر از دهان معشوقش، وجود ندارد. / ایهام: «غنچه بستن»: ۱- آفریدن غنچه، ۲- فروبستگی و تنگی غنچه (دهان) / استعاره: «چمن‌آرای جهان» استعاره از خدا و «این غنچه» استعاره از دهان یار

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «فاقد اغراق / ایهام: «خاک شدن»: ۱- مُردن، ۲- ناچیز و متواضع بودن / استعاره: «سرو» استعاره از معشوق

گزینه «۲»: اغراق: زیاده‌روی در توصیف باریکی جسم / فاقد ایهام «مهر» دارای ایهام تناسب است. / فاقد استعاره

گزینه «۳»: اغراق: «هزار بگوید» / فاقد ایهام «هزار» دارای ایهام تناسب است. / استعاره: «نصیحت کردن بلبل»

(علوم و فنون ادبی (۳) و (۲)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۵۳- گزینه «۱»

(مهمد امین‌راداش‌فام)

در این بیت ایهام به‌کار نرفته است. «چنگ» در معنای غلط خود (نوعی ساز) با «نوا» ایهام تناسب را ایجاد کرده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «نگران»: ۱- مضطرب ۲- نگاه‌کننده

گزینه «۳»: «باری»: ۱- یک بار ۲- خلاصه

گزینه «۴»: «آهنگ»: ۱- نوا و نغمه ۲- قصد و عزم

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، ترکیبی)

۵۴- گزینه «۴»

(سیرعلیرضا علویان)

ایبات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» با مضمونی غم‌گرا دربارهٔ فراق معشوق و سختی‌های عشق سخن گفته‌اند، درحالی‌که بیت گزینه «۴» لزوماً ارتباطی با سایرین ندارد و شاعر با دیدگاهی مثبت به هجران و فراق می‌نگرد و هجران را خود نوعی وصال به‌شمار می‌آورد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۹)

۵۵- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

بیت صورت سؤال و ایبات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به توصیف روز وداع و گریهٔ عاشق در آن روز پرداخته‌اند، اما در بیت گزینه «۳» شاعر می‌گوید: تو (معشوق) جان منی و من نمی‌توانم تو را وداع گویم.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۹)

جامعه‌شناسی (۳)

۵۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

تشریح عبارات نادرست:

- انسان در برخورد با هر پدیده‌ای، دیر یا زود به معنا و ارزش آن می‌اندیشد و نمی‌تواند صرفاً به لذت و منفعت مادی ناشی از قدرت، ثروت و دانش قانع باشد و به آن بسنده کند.

- نخستین واکنش و جنبش اجتماعی در برابر ثروت شکل گرفت و مالکیت دزدی خوانده شد.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۴ و ۵۵)

۵۷- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که باهم زندگی می‌کنند، سیاست یا عمل سیاسی را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد.

سنگ‌نوشتهٔ داریوش در نقش رستم معروف به **Dnb** که حاوی نکاتی دربارهٔ زامدار و آیین شهریاری است، بیانگر این است که در گذشته، قدرت، مسئلهٔ اول و اصلی سیاست نبوده است؛ بلکه قدرت، وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت‌های اخلاقی قلمداد می‌شده است.

سیاست دو وجه یا بُعد اصلی دارد. یک بُعد آن تدبیر و تنظیم امور - که امروزه به قانون کاهش یافته - و بعد دیگر آن، ضمانت اجرای قانون است که نیازمند قدرت می‌باشد.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۵۸- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سیننی)

- امروزه از ابزارهای تنبیهی کمتر از ابزارهای تشویقی استفاده می‌شود و از ابزارهای تشویقی نیز کمتر از ابزارهای اقلانی استفاده می‌شود.

- امروزه قدرت تنبیهی عمدتاً منحصر و متمرکز در دست دولت‌هاست.

- قدرت اقلانی با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۵۹)

۵۹- گزینه «۱»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- سازمان مهم‌ترین منبع قدرت در جوامع امروزی است.

- ثروت، شأنی به فرد عامل قدرت می‌دهد که همان اراده و قاطعیت اوست.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۶۰- گزینه «۴»

(سید مظهر مدنی ریثانی)

با توجه به جدول صفحه ۶۲، مالکیت، عامل قدرت ثروت می‌باشد و ابزار اعمال قدرت دانش اقناعی است و عامل قدرت آن سازمان است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۲)

۶۱- گزینه «۲»

(سمیه مظهری مقبیری)

بررسی موارد نادرست:

جامعه‌شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش‌های انسانی که تماماً مادی و محسوس نیستند را قابل مطالعه علمی نمی‌داند و با معنادرایی و ارزش‌زدایی از سیاست و قدرت از شناخت واقعی آن‌ها باز می‌ماند.

جامعه‌شناسی تفسیری، سیاست و قدرت را پدیده‌های معنادار و ارزشی می‌داند، اما صرفاً به توصیف ارزش‌های سیاسی مختلف بسنده می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۶)

۶۲- گزینه «۳»

(کوثر شاه‌سینتی)

نظام لیبرال دموکراسی: لیبرالیسم به معنای مجاز دانستن همه امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم بر اساس خواست و میل خودشان است.

نظام جمهوری اسلامی: قوانین و مقررات آن با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۸)

۶۳- گزینه «۲»

(آرش مرتضائی‌فرد)

تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی در صورتی که به نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۶۴- گزینه «۴»

(آرزیتا بیرقی)

انسان در ایجاد، تداوم یا تغییر قشربندی نقشی فعال دارد.

علت نابرابری‌های اجتماعی، مالکیت خصوصی است.

تأکید آنان بر معایب قشربندی است.

نقد وارد بر رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی: نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود، اما به دلیل اینکه انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۶)

۶۵- گزینه «۲»

(سید مظهر مدنی ریثانی)

در رویکرد سوم و اول مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود.

در رویکرد اول امکان رقابت برای افراد با طبقه اجتماعی پایین وجود ندارد.

در رویکرد دوم نقطه پایان رقابت عادلانه نیست.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۷)

جامعه‌شناسی (۳) - اختیاری

۶۶- گزینه «۴»

(ریثانه امینی)

سیاه‌پوستان - سفیدپوستان: تفاوت اسمی

خانه‌های گران‌قیمت - خانه‌های معمولی: نابرابری اجتماعی

مدرک کارشناسی - مدرک کارشناسی ارشد: نابرابری اجتماعی

ضریب هوشی ۱۲۰ - ضریب هوشی ۱۱۰: نابرابری طبیعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۲)

۶۷- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

تشریح موارد نادرست:

در رویکرد جدایی‌دانش از ارزش، تبیین کشف و بازخوانی واقعیت‌ها و تفسیر خلق و بازسازی ارزش‌ها دانسته می‌شود.

جامعه‌شناسی انتقادی پدیده‌ها را با ملاک‌های ارزشی همچون خوب و بد و ملاک‌های هنجاری مانند باید و نباید ارزیابی می‌کند.

مطابق دیدگاه کسانی که قشربندی اجتماعی را جهانی و ضروری می‌دانند،

هر نقشی که مزایای اجتماعی بیشتری دریافت می‌کند، برای جامعه مهم‌تر است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۸ تا ۸۰)

۶۸- گزینه «۳»

(ریثانه امینی)

تشریح مورد نادرست:

جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن، سازندگان خود را زیر سلطه درمی‌آورند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۸۲)

۶۹- گزینه «۲»

(میهن مهبی)

الف) نسل‌کشی، جابه‌جایی اجباری، کنترل جمعیت، جداسازی و فشارهای سخت اجتماعی از جمله روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی هستند.

ب) دیگچه همانندسازی، راهی است که در آن تعداد کثیری از گروه‌های درگیر قومی‌نژادی در ارتباط با هم یک فرهنگ مختلط را می‌سازند.

ج) مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دوره مدرن، «همانندسازی» بود.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷ و ۸۸)

۷۰- گزینه «۱»

(مبینه مهبی)

الف) در دوره پسامدرن، سیاست همانندسازی مورد نقد قرار گرفت.
ب) سیاست هویت، محصول دوران پسامدرن است.
ج) در اواخر قرن بیستم، هویت به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی، محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۱۹ و ۹۰)

جامعه‌شناسی (۱)

۷۱- گزینه «۳»

(کوثر شاه‌سینتی)

- ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن‌ها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آن‌ها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد.

- ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد.

- برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آن‌ها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۵۲)

۷۲- گزینه «۱»

(کتاب ژبی پیمان‌های)

- ما گاه درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم؛ مثلاً از دوستان درباره نقاط قوت و ضعف خویش سؤال می‌کنیم. این موارد، مربوط به بخش‌هایی از هویت هستند که به آن، آگاهی نداریم.

- برخی از ویژگی‌های هویتی توسط خود ما پدید آمده و یا ما در پدیدآمدن آن نقش داریم. مانند بسیاری از خصوصیات اخلاقی (مثلاً راستگو بودن) ویژگی‌هایی را که افراد در پدیدآمدن آن‌ها اثرگذار هستند، خصوصیات اکتسابی نامیده می‌شوند.

- بعضی از ویژگی‌های هویتی، اجتماعی و فرهنگی هستند، یعنی فرد بدون حضور در اجتماع نمی‌تواند آن خصوصیات را داشته باشد. مثلاً ما با عضو بودن در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم. برخی از خصوصیات تغییر نمی‌کنند یا حتی قابل تغییر نیستند؛ مثلاً مکان و زمان تولد. این خصوصیات از ویژگی‌های ثابت هویت هستند. پس ایرانی بودن اجتماعی و ثابت است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۶۴ و ۷۳)

۷۳- گزینه «۴»

(کوثر شاه‌سینتی)

تشریح عبارات نادرست:

ب: علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکنند، می‌تواند درباره حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

د: برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی و ... اوست.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، ترکیبی)

۷۴- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سینتی)

- اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

- تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود.

- اگر جهان اجتماعی روش مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

۷۵- گزینه «۲»

(کتاب ژبی پیمان‌های)

جامعه‌پذیری، فرایندی است که برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۶ تا ۸۰)

جامعه‌شناسی (۲)

۷۶- گزینه «۳»

(ریانه امینی)

- تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

- به دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر، مبادلات تجاری در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می‌کند.

- کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

روان‌شناسی

۷۷- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

تشریح گزینه نادرست:

- برخورد استعماری غرب، جوامع غیر غربی را از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار داد.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۷۰ و ۷۱)

۷۸- گزینه «۴»

(آرزیتا بیرقی)

نه تنها آزادی معنوی بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت. ← پیامد
بهانه عدالت اقتصادی از سوی جوامع سوسیالیستی

حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی ← علت عدم مقابله با قحطی ایرلند

شکل‌گیری نظریه‌هایی در چارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگ جدید

غرب ← پیامد حل چالش فقر و غنا

(پایه‌شناسی (۲)، پالش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۸ تا ۸۰)

۷۹- گزینه «۲»

(آرزیتا بیرقی)

الف) اشتراک مالیتوس، ریکاردو، راسل ← آزادی فعالیت صاحبان سرمایه

ب) چالش درون فرهنگی و کلان و مقطعی ← بلوک شرق و غرب

ج) دو رویکرد جامعه‌گرا

د) طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانست. ← مارکس

(پایه‌شناسی (۲)، پالش‌های جهانی، ترکیبی)

۸۰- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

آیزایا برلین در نقد لیبرالیسم اولیه، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته است.

جان راسل مخالف هر نوع مداخله دولت در اقتصاد بود. در همین جهت از هر اقدامی برای مقابله با قحطی ایرلند خودداری کرد.

ریکاردو افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آن‌ها و پیدایش مشکلات بعدی می‌دانست.

مارکس، حل چالش‌های جامعه سرمایه‌داری را فقط با یک انقلاب قابل حل می‌دانست.

(پایه‌شناسی (۲)، پالش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۸۱- گزینه «۲»

(مهمرب پیویی)

مسئله‌هایی که در علوم انسانی با آن‌ها مواجه می‌شویم عمدتاً خوب تعریف نشده هستند. دروس زیست‌شناسی، فیزیک، زمین‌شناسی و شیمی از دروس علوم تجربی هستند که مسائل خوب تعریف‌نشده کمتری دارند.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

۸۲- گزینه «۳»

(مهسا عفتی)

بن‌بست، زمانی ایجاد می‌شود که حل‌کننده مسئله با نگاه فعلی، قادر به حل مسائل نباشد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۸۳- گزینه «۲»

(مهمرب صمیری زاراسفنگره)

سارا هم از درد مفاصل فرار می‌کند هم از آمپول، پس تعارض وی، اجتناب - اجتناب می‌باشد.

گزینه‌های «۳» و «۴» یکسان می‌باشند و تفاوتی ندارند.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲)

۸۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

حل آگاهانه مسئله و جدیت در حل آن، به جریان حل مسئله اشاره دارند. گزینه «۱» به توانمندی‌ها اشاره دارد که در ذیل آن، استفاده از راه‌حل‌های غیرمنطقی مطرح می‌شود. گزینه «۲»: نیز به مشخص بودن مبدأ و مقصود فعلی اشاره دارد. گزینه «۴»: به روش نبودن هدف اشاره دارد که باعث درک ناقص از مسئله می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

۸۵- گزینه «۴»

(زیلوفر طالبی)

- وقتی هدف روشن نباشد درک از مسئله، ناقص خواهد بود.
- عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه‌حل‌های غیرمنطقی می‌شود.
- شناخت وضعیت فعلی تان به شما کمک می‌کند تا موانع احتمالی را به‌خوبی بشناسید و راه‌حل‌های بهتری ارائه دهید.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

عربی زبان قرآن (۳) و (۲)

۹۱- گزینه ۱»

(کنکور انسانی - ۹۹ - کتاب آبی پیمانه‌ای)

«أرسلنا إلى ...» به سوی ... فرستادیم (رد سایر گزینه‌ها) / «رسولاً نكروه»: رسولی، پیامبری (رد گزینه ۳) / «فغصى فرعون الرسول» و فرعون از آن پیامبر نافرمانی (عصیان) کرد (دقت کنید که «فرعون» فاعل فعل «غصى» و «الرسول» مفعول آن است که در گزینه‌های «۲» و «۴» اشتباه ترجمه شده است، در گزینه «۲» نیز «تبعیت نکرد» ترجمه صحیحی برای «غصى» نیست، و «جر» در گزینه‌های «۳» و «۴» نامناسب است.)

(ترجمه)

۹۲- گزینه ۱»

(روح الله گلشن)

«فی أحد أيام الصيف»: در یکی از روزهای تابستان (رد گزینه ۳) / «نفسه»: خود را (در گزینه ۴) ترجمه نشده است. / «أوصل»: رساند (رد گزینه ۴) / «أصدقائه الكثيرين»: دوستان بسیار خویش (خود)، دوستان زیادش («الكثيرين» صفت است.) (رد گزینه ۳) / «عزم»: تصمیم گرفت (فعل است نه اسم) (رد گزینه ۴) / «بسیار» در گزینه ۲ اضافی است. / «لم یکن یسمح»: اجازه نمی‌داد (ماضی استمراری منفی است، نه ماضی ساده یا بعید) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أخذوا یعودون»: شروع کردند به بازگشت، شروع به بازگشت کردند (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۹۳- گزینه ۳»

(کنکور قارج از کشور - ۹۸ - کتاب آبی پیمانه‌ای)

«وجدت الشمس»: خورشید را یافتیم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «أقوی مصدر» (اسم تفضیل + اسم نکره): نیرومندترین منبعی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «تکفینا نورها و حرارتها»: که نور و حرارت آن برای ما کافی می‌باشد (رد گزینه ۴) / «دون أن تقرّب إلینا»: بی آنکه به ما نزدیک شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أو تبتعد عنا»: یا از ما دور شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۸۶- گزینه ۲»

(موسا عفتی)

سبک تصمیم‌گیری منطقی، بهترین شیوه تصمیم‌گیری است. زیربنای این تصمیم‌گیری، اندیشیدن است.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۳۷)

۸۷- گزینه ۳»

(موسا عفتی)

در بعضی مواقع، تصمیم‌گیری با خطر همراه است. در چنین حالتی اطمینان کافی به نتایج تصمیم‌گیری وجود ندارد.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)

۸۸- گزینه ۳»

(مهمرب صیبی)

در تصمیم‌گیری، همه راه‌ها ما را به مقصد می‌رساند در حالی که در سؤالات چهارگزینه‌ای تنها یکی از گزینه‌ها صحیح است و دیگر گزینه‌ها غلط است و ما را به مقصد نمی‌رساند، بنابراین مواجه شدن با سؤالات چهارگزینه‌ای حل مسئله است نه تصمیم‌گیری.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۸۹- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

- شناسایی و تعریف تصمیم (مرحله اول) ← نوشتن مقاله‌ای در مورد متون ادبی کلاسیک فارسی

- بیان ویژگی‌های هر انتخاب یا اولویت (مرحله سوم) ← بررسی ویژگی‌های چند متن ادبی (رد گزینه ۲)

- اجرای بهترین اولویت (مرحله پنجم) ← انتخاب شاهنامه به عنوان موضوع تحقیق (رد گزینه ۱)

- تعهد و پایبندی به اجرای اولویت مورد نظر (مرحله ششم) ← مطالعه روش نوشتن مقاله علمی و بررسی تحقیق‌های قبلی در مورد شاهنامه (رد

گزینه «۴»)

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۸)

۹۰- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

این روان‌شناس، در تحقیقات خود فقط به دنبال پژوهش‌هایی می‌گردد که به این عامل توجه کرده‌اند و به دیگر پژوهش‌هایی که ممکن است عوامل دیگری را مطرح کرده باشند و یا نقش این عامل را در اختلال اضطراب اجتماعی، منفی دانسته باشند، توجهی نمی‌کند؛ در نتیجه، تصمیم‌گیری او، همراه با «سوگیری تأیید» خواهد بود.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۹)

۹۴- گزینه «۳»

(علی مفسن زاره)
در جمله «ما أجلس أحدًا عنده إلّا بنته الصغرى»، مستثنی منه (أحدًا) ذکر شده است، بنابراین نمی توانیم در ترجمه از الفاظ «فقط» و «تنها» استفاده کنیم (رد گزینه های ۱ و ۴) / «بنته الصغرى»: دختر کوچکترش، دختر کوچکتر خود (رد گزینه ۲) / «إزعاج»: آزرده گی، آزرده شدن، ناراحتی (رد گزینه ۱) / «أولاده الآخرین»: فرزندان دیگرش (رد گزینه ۱) / «لم یفرق»: فرق نگذاشته است (رد گزینه های ۲ و ۴) (با توجه به مجزوم بودن فعل «یفرق»، می توان نتیجه گرفت که در اینجا از «لم» استفاده شده است نه «لیم: چرا») / «حُبّ الأباء»: علاقه پدران، عشق پدران (رد گزینه ۴) / «بناتهم»: دخترانشان، دختران خود (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۹۵- گزینه «۲»

(فاندر مشیرپناهی - دهگلان)
«قد تَغَيَّرَ»: تغییر کرده است، تغییر یافته است [رد گزینه های ۱ و ۳؛ «تَغَيَّرَ» فعل ماضی باب «تَفَعَّلَ» است و مضارع نیست. ضمناً «قد» بر سر مضارع معنی «گاهی» می دهد، نه بر سر ماضی! / «اللغات المُختلفة»: زبان های مختلف (رد گزینه های ۱ و ۳؛ ترکیب وصفی معرفه است.) / «كثرة استعمالها»: زیادی کاربردشان (رد گزینه های ۳ و ۴؛ ترکیب وصفی نیست) / «بین»: میان، بین (رد گزینه ۴؛ «نزد» ترجمه درستی برای آن نیست.) / «تبدلت»: تبدیل شده اند (گشته اند) (رد سایر گزینه ها) (اولاً: فعل «ماضی» است، ثانیاً: «لازم» است.) / «عدة حروف منها»: چندین حرف از آن ها، چندین حرف آن ها / «قریبه»: نزدیک (رد گزینه «۳»؛ اسم تفضیل نیست.)

(ترجمه)

۹۶- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: «یحكى» مضارع مجهول است و باید به صورت «حكايت می شود» ترجمه گردد.
گزینه «۲»: «أفقدوا» (با توجه به حرکت كسره روی عين الفعل) فعل امر است که به صورت ماضی ترجمه شده و نادرست است، ضمن اینکه «یکاد» هم مضارع است، به معنای «نزدیک است، نزدیک می باشد» نه «نزدیک بود». گزینه «۴»: «لك» ترجمه نشده است و «حتماً» نیز در ترجمه اضافه است و در عبارت عربی به کار نرفته است و تأکیدی نیز وجود ندارد.

(ترجمه)

۹۷- گزینه «۲»

(میدر شا قانرامینی - اصفهان)
«الآخرون»: آیندگان (رد گزینه ۱) / «عمیل»: مُردور (رد گزینه ۳) / کلمه «از میان» در گزینه «۴» به صورت زائد و اضافی آمده است، «إلّا» هم باید «به جز، مگر» ترجمه گردد (رد گزینه ۴).

نکات مهم درسی:

به تفاوت معنایی کلمات مشابه بسیار دقت کنیم:
«الآخرون: دیگران»، «الآخرون: آیندگان»

(ترجمه)

۹۸- گزینه «۱»

(امیر حسین شکوری)
«حیاط بزرگ خانه پدر بزرگم»: ساحة بیت جدتی الكبيرة (رد گزینه ۴) / «کاشتم»: غرست (رد گزینه ۲) / «فقط بعد از ده سال میوه می دهد»: لا تُثمرُ إلّا بعد عشر سنوات (رد گزینه های ۲ و ۳) (در گزینه ۲ فعل جمله، مثبت آمده که نادرست است.)

نکته: دقت کنید که در ترجمه اسلوب حصر (مستثنی منه محذوف + + إلّا) از دو روش زیر استفاده می کنیم:

۱) جمله منفی + به جز / مگر

۲) جمله مثبت + فقط / تنها

(ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

یکی از زیست شناسان دریایی آزمایشی را انجام داد، او یک کوسه بزرگ را در آکواریومی قرار داد و سپس یک گروه از ماهی های کوچک را به عنوان طعمه برای کوسه اضافه کرد، و همانطور که انتظار می رفت، کوسه به ماهی های کوچک حمله کرد و همه آن ها را خورد. پس از آن دانشمند یک جداکننده شیشه ای قرار داد که مخزن را به دو قسمت مساوی تقسیم کرده بود، ماهی های کوچک را در یک طرف و کوسه را در طرف دیگر قرار داد، کوسه بلافاصله حمله کرد اما این بار با جداکننده شیشه ای برخورد کرد. او بدون خستگی به تلاش ادامه داد. ماهی های کوچک بی سروصدا و ایمن شنا می کردند. پس از گذشت چندین ساعت، کوسه سرانجام تسلیم شد و دست از تلاش کشید. این آزمایش چندین بار تکرار شد و هر بار تهاجم کوسه کم می شد، تا اینکه کاملاً تسلیم شد و حمله به ماهی های کوچک را متوقف کرد، زمانی که زیست شناس صفحه شیشه ای را از میان برداشت، کوسه این بار نیز اقدام به حمله نکرد. او کاملاً از وجود حائلی پنهان بین خود و ماهی های کوچک متقاعد شده بود.

۹۹- گزینه ۳»

(ابوالفضل تاییک)

آنچه که دانشمند توقع داشت این بود که کوسه‌ماهی به ماهی‌های کوچک حمله کند و همه آن‌ها را بخورد و با توجه به متن همین اتفاق هم افتاد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱» قرار دادن یک کوسه‌ماهی بزرگ در آکواریوم!

گزینه ۲: «۲» گروهی از ماهی‌های کوچک به عنوان طعمه برای کوسه!

گزینه ۴: «۴» همانطور که انتظار می‌رفت این که ماهی‌های کوچک، طعمه‌هایی مانند کوسه دارند!

هیچ‌یک از موارد فوق، بیانگر انتظار و توقع دانشمند زیست‌شناس نیستند.

(درک مطلب)

۱۰۰- گزینه ۳»

(ابوالفضل تاییک)

وقتی دانشمند مانعی را گذاشت، کوسه‌ماهی حمله خود را به ماهی‌ها ادامه داد!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱» به آرامی و ایمن شنا کرد! (نادرست)

گزینه ۲: «۲» بدون خستگی برای موفقیت کوشید! (نادرست)

گزینه ۴: «۴» برای برخورد به جداکننده شیشه‌ای تلاش کرد! (نادرست)

(درک مطلب)

۱۰۱- گزینه ۳»

(ابوالفضل تاییک)

ترجمه عبارت: در ذهنمان گاهی موانعی خیالی می‌سازیم، در حالی که بعد از این وجود خواهند داشت!

با توجه به متن، ما در ذهن خود موانعی می‌سازیم که وجود ندارند و ما براساس خطای ذهنمان وجود آن‌ها را در نظر می‌گیریم. (مانند کوسه‌ماهی در این داستان که به اشتباه وجود فاصله را پذیرفته بود و دیگر تلاشی نمی‌کرد، حال آن که دیگر مانعی واقعی وجود نداشت.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱» بسیاری کسانی که بعد از دچار شدن به ضربات و چندین بار شکست خوردن، امید را کاملاً از دست می‌دهند!

گزینه ۲: «۲» گاهی اوقات ما، مانند زیر بار شکست‌های گذشته را ترجیح می‌دهیم و هرگز موفق نخواهیم شد!

گزینه ۴: «۴» ما باید تلاش کنیم، موفقیت شاید بعد از فقط یک گام، برای ما باشد!

(درک مطلب)

۱۰۲- گزینه ۱»

(ابوالفضل تاییک)

کلمه «مجموعه» مفعول برای فعل «أضاف» است.

(تعلیل صرفی و اعراب)

۱۰۳- گزینه ۴»

(ابوالفضل تاییک)

در این عبارت «أزال» مزید ثلاثی است. (صیغه اول ماضی آن، بیش از سه حرف دارد، پس نمی‌تواند فعل مجرد ثلاثی باشد.)

(تعلیل صرفی و اعراب)

۱۰۴- گزینه ۲»

(علی مفسن زاره)

حرکت واژه «الْتَفَتَ» نادرست و شکل درست آن «الْتَفَتَ» می‌باشد. (ماضی باب «افتعال» و بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌باشد.)

همچنین حرکت واژه «الْإِنْزَعَجَ» نادرست و شکل درست آن «الْإِنْزَعَجَ» می‌باشد (مصدر باب «انفعال» و بر وزن «انفعال» می‌باشد.)

(ضبط حرکات)

۱۰۵- گزینه ۴»

(آبرین مصطفی زاره)

ترجمه عبارت صورت سؤال: بادهای جریان می‌یابند آنطور که کشتی‌ها نمی‌خواهند!

عبارت صورت سؤال و دیگر گزینه‌ها به تقدیرگرایی و قضا و قدر اشاره دارند، ولی گزینه ۴» به این مفهوم اشاره دارد که همه چیز ما از طرف خداست.

(مفعول)

۱۰۶- گزینه ۳»

(معمور باربرین - یاسوج)

در این گزینه، «فَلأَحِين» اسم نکره‌ای است که در ادامه، به همراه «ال» آمده است (الفَلأَحُون) و «ال»ش را می‌توانیم به صورت اسم اشاره «این» یا «آن» ترجمه کنیم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱» در این گزینه «مَعْلَم» اسم نکره‌ای است که در ادامه به همراه «ال» آمده است، اما چون قبل از آن یک اسم اشاره هست (ذَلک المَعْلَم)،

دیگر نمی‌توانیم «ال»ش را به صورت «این» یا «آن» ترجمه کنیم.



گزینه ۲: در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد که در ادامه به همراه «ال» آمده باشد. دقت شود «غایات» به «مازندران» اضافه شده و نکره نیست.

گزینه ۴: در این گزینه «دولة» اسم نکره‌ای است که در ادامه، جمع مکسر آن به همراه «ال» آمده است و «ال»ش را نمی‌توانیم به صورت «این» یا «آن» ترجمه کنیم، دقت شود که باید همان اسم نکره به همراه «ال» تکرار شود.

نکته مهم درسی:

معمولاً هرگاه در جمله‌ای اسم نکره‌ای بیاید و در ادامه همان اسم با «ال» تکرار شود، در ترجمه می‌توانیم «ال»ش را «این» یا «آن» ترجمه کنیم.

(قواعد اسم)

۱۰۷- گزینه ۲

(قاله مشیرپناهی - هگلان)

صورت سؤال، عبارتی را می‌خواهد که در آن فعلی که به دو شکل ترجمه می‌شود، وجود نداشته باشد. در این گزینه، فعل «بقترب» که صفت جمله برای «صوتاً» است و فعل قبل از آن (سمعنا) ماضی است، تنها به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. فعل «سمعنا» نیز معادل «ماضی ساده» است. ترجمه: «ما صدای عجیبی را در آن جنگل شنیدیم که لحظه‌به‌لحظه به ما نزدیک می‌شد.»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فعل «طُرحت» چون صفت جمله برای اسم نکره «مقاله» است و فعل از قبل آن (قرأنا) ماضی است، به دو صورت «ماضی ساده» و «ماضی بعید» ترجمه می‌شود. ترجمه: «ما مقاله‌ای را درباره تدریس اسلوب شرط خواندیم که در آن شیوه‌های جالبی مطرح شد (مطرح شده بود).»

گزینه ۲: فعل «تُعطی» چون صفت جمله برای اسم نکره «أشجاراً» است و فعل قبل آن (یغرس) مضارع است، به دو صورت «مضارع اخباری» و «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. ترجمه: «دوست کشاورز من درختانی را در مزرعه خود می‌کارد که میوه‌های زیاد و مفیدی می‌دهند (بدهند).»

گزینه ۴: فعل ماضی «ظننت» چون فعل شرط واقع شده است، به دو صورت «ماضی ساده» و «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. ترجمه: «اگر گمان کردی (گمان کنی) که تو...»

(قواعد فعل)

۱۰۸- گزینه ۲

(آیرین مصطفی زاره)

صورت سؤال از ما جمله وصفیه‌ای را خواسته که اسم فاعل را وصف کرده باشد. در گزینه ۲، جمله «تتعلمون منه ...» اسم فاعل «طلبة» (مفردش: طالب) را وصف می‌کند. ترجمه عبارت: «به معلم احترام می‌گذارند دانش‌آموزانی که از او راه‌های تربیت و ادب را یاد می‌گیرند!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: در این عبارت «علوم» دو صفت دارد، اولی «مختلفه» و دومی جمله وصفیه «لم نشاهد»؛ اما «علوم» اسم فاعل نیست. ترجمه عبارت: «مسلمانان به علوم مختلفی دست یافتند که مانند آن را در گذشته ندیده بودیم!»

گزینه ۳: «مشقات» سختی‌ها» اسم فاعل نیست. ترجمه عبارت: «سختی‌هایی را که در مسیر پیشرفت در زندگی با آن‌ها مواجه می‌شوی، تحمل کن!»

گزینه ۴: در این گزینه، جمله وصفیه برای «أبیات» است نه «شاعر». ترجمه عبارت: «هر شاعری ابیات جذابی دارد که همه مردم را جذب می‌کند!»

(قواعد اسم)

۱۰۹- گزینه ۳

(هسین رضائی)

در گزینه ۳ برخلاف سایر گزینه‌ها، مستثنی‌منه ذکر نشده است. هنگامی که در جمله منفی پیش از «إلّا» مستثنی‌منه ذکر نشده باشد، می‌توانیم جمله منفی را به صورت مثبت و مؤکد (همراه با کلمه «تنها، فقط») نیز ترجمه کنیم.

(اسلوب استثناء)

۱۱۰- گزینه ۴

(مرتضی کاظم شیروزی)

هرگاه پیش از «إلّا» جمله منفی آمده و مستثنی‌منه ذکر نشده باشد، می‌توانیم عبارت را با لفظ «تنها» یا «فقط» به صورت مثبت و مؤکد نیز ترجمه کنیم. ترجمه عبارت: فقط گروهی از مسلمانان سخنش را باور کردند پس او را نزد پیامبرشان بردند! (مستثنی منه از جمله حذف شده است و «إلّا» معنای «فقط، تنها» می‌دهد.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

مستثنی‌منه در گزینه ۱: «کلاماً» و در گزینه ۳: «الآباء» است. دقت کنید در گزینه ۲، ادات استثناء (إلّا) وجود ندارد، زیرا «ألّا تُثمر» فعل است و در اصل «أن لا تُثمر» می‌باشد.

(اسلوب استثناء)

عربی زبان قرآن (۳) - اختیاری

۱۱۱- گزینه ۳

(پیروز وهان - گنبد)

«أفضل الأناسی»: بهترین انسان‌ها (رد گزینه ۴) / «للتعلیم»: برای یاد دادن / «هم الأنبیاء الذین»: همان پیامبرانی هستند که / «علموا الناس ما یحتاجون للستاعة»: به مردم آنچه را که برای خوشبختی نیاز دارند، یاد دادند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «فقھوا الجاهلین بعلمهم»: نادانان را با علمشان (علم خود) دانا کردند (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه ۲

(ولی بریی - ابهر)

«نعلم»: می‌دانیم / «أن»: که (رد گزینه ۱) / «هذه مباراة مهمّة»: این مسابقه مهمی است (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «یمتلی المَلعب»: ورزشگاه پُر می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «المُتفرّجین»: تماشاچیان

نکته: به نحوه ترجمه اسم‌های دارای «ال» و بدون «ال» پس از اسم‌های اشاره دقت کنیم: (هذه المباراة مهمّة): این مسابقه، مهم است / «هذه مباراة مهمّة»: این مسابقه‌ای مهم است یا این مسابقه مهمی است)

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه ۱

(فاطمه منصورفاکی)

«صبح امروز»: صباح الیوم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «در سالن امتحانات»: فی قاعة الامتحانات / «حضور یافتند»: حضر (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه ۲

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «الثانی: مبتدأ و مرفوع بالضمّة» نادرست است. «وعاء» دوم، خبر إنّ و مرفوع است.

گزینه «۳»: «مع فاعله جملة فعلیة» نادرست است. فعل مجهول، فاعل ندارد، بلکه نائب فاعل دارد.

گزینه «۴»: «معرفة بالعلمیة» نادرست است. «معرّف بأل» صحیح است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۱۵- گزینه ۲

(کتاب آبی پیمان‌های)

در صورت سؤال اشاره شده است که «طلب کردن نیاز از غیر اهل آن، سخت‌تر از مرگ است!» که این مفهوم دقیقاً همان مفهوم عبارت گزینه «۲»: «طلب کردن نیازها از مردم، خواری زندگی است» می‌باشد.

(مفهوم)

۱۱۶- گزینه ۲

(امیرمسین شکوری)

در این گزینه، دو کلمه «زوج» و «رحمة» به معنای «مهربانی» با هم مترادف‌اند. در سایر گزینه‌ها کلمات مترادفی وجود ندارد.

(واژگان)

۱۱۷- گزینه ۳

(فاطمه منصورفاکی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مُجَفَّفًا» اسم مفعول است و به صورت «مُجَفَّفًا خشک شده» صحیح است.

گزینه «۲»: «یَتَعَايَشُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب تَفَاعُل است و به صورت «یَتَعَايَشُ» صحیح است.

گزینه «۴»: «يُلاخِطُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب مُفَاعَلَة است و به صورت «يُلاخِطُ» صحیح است.

(ضبط حرکات)

۱۱۸- گزینه ۴

(کتاب آبی پیمان‌های)

در گزینه «۴»، «أَلَّا» در واقع «أن + لا» است که قبل از فعل مضارع آمده است. در سایر گزینه‌ها «إِلَّا»، ادات استثنا، داریم و اسلوب استثنا برقرار است.

(اسلوب استثناء)

۱۱۹- گزینه ۳

(علی رسولی)

صورت سؤال، گزینه‌ای را خواسته است که در آن، کلمه «صدیق» بدون وجود «إِلَّا»، نقش فاعل را داشته باشد. ترجمه عبارت: تکمیل نکرد از میان ما تحصیل را جز دوستی که ... ؛ «صدیق» در این‌جا نقش فاعل را دارد.

نقش «صدیق» در سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»: «خبر کان (از افعال ناقصه)

در گزینه «۲»: مفعول

در گزینه «۴»: مفعول

(اسلوب استثناء)

۱۲۰- گزینه ۱

(علی رسولی)

در گزینه «۱»، «الْعُدَاة» مستثنی‌منه و مفرد آن العادی (اسم فاعل) است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۲»: «لنّاس» مستثنی‌منه است که اسم فاعل نیست.

در گزینه «۳»: اصلاً مستثنی منه وجود ندارد.

در گزینه «۴»: «أعمال» مستثنی‌منه است که اسم فاعل نیست.

(اسلوب استثناء)

تاریخ (۳)

۱۲۱- گزینه «۴»

آنگلور، فارچ از کشور (۱۴۰۰)

رضاشاه با هدف مهار کردن نیروی رزمی عشایر، اقدام به اسکان اجباری عشایر نمود. این اقدام که با خشونت بسیار و مرگ و میر بالا همراه بود، ضمن ایجاد نارضایتی و خشم در بین عشایر، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ایران از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۶)

۱۲۲- گزینه «۳»

(امیرمسین کاروین)

هم‌زمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی‌ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی‌ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطه خویش دستور دهند تا امکان فعالیت‌های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه‌های آلمانی گشود.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۸)

۱۲۳- گزینه «۲»

(یووا میربلوکی)

جامعه ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعه ملل را داده بود، به عضویت آن درنیامد. خروج ژاپن، آلمان و ایتالیا و نیز اخراج شوروی از جامعه ملل، موجب بی‌اعتباری بیشتر این نهاد بین‌المللی شد. به همین سبب بود که جامعه ملل در فاصله میان دو جنگ در مقابل تهاجم نظامی برخی دولت‌ها به کشورهای دیگر، اقدام بازدارنده و مؤثری نتوانست انجام دهد.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۹۹)

۱۲۴- گزینه «۴»

(یووا میربلوکی)

یکی از مسائل مهم جهان و به‌خصوص اروپا در دوران پس از جنگ جهانی اول، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ و ایجاد رونق و رفاه اقتصادی بود؛ اما مشکلات اقتصادی شدیدی وجود داشت. این مسائل و مشکلات اقتصادی تأثیر بسزایی در روی کار آمدن حکومت‌های دیکتاتوری، به‌خصوص در اروپا داشت.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۰)

۱۲۵- گزینه «۲»

(امیرمسین کاروین)

نخستین اولویت‌ها از انقلاب میجی در ژاپن، تغییر وضع ناتوان ژاپن در رویارویی با خطر جهانگشایی غربی و جبران عقب‌ماندگی‌های نظام قبلی بود. اما آن‌ها در پاسخ به این نیاز اساسی، کشورهای غربی را سرمشق قرار دادند و گمان می‌کردند که هیچ ملت آسیایی نمی‌تواند از ریشه‌های اصیل خودش دژی بسازد که بتواند برابر طغیان و تهاجم غرب مقاومت کرده یا با آن‌ها رقابت کند.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۴)

تاریخ (۳) - اختیاری

۱۲۶- گزینه «۳»

(علی‌محمد کریمی)

در نیمه اول جنگ جهانی دوم، نیروهای محور (آلمان، ایتالیا و ژاپن) به شرق اروپا و بالکان هجوم برده و کشورهای آن منطقه را زیر سلطه خود درآوردند و سپس سرتاسر شمال آفریقا را صحنه جنگ نمودند. حدود دو سال از جنگ سپری شد و دولت‌های محور پیروز میدان بودند.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۵)

۱۲۷- گزینه «۲»

(میلار هوشیار)

ایالات متحده آمریکا در طول جنگ به انگلستان و فرانسه کمک‌های مالی، تجهیزاتی و تدارکاتی می‌کرد، ولی حضور رسمی در جنگ نداشت. اما با حمله ژاپنی‌ها به ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام، این کشور رسماً به متفقین پیوست و با ارتش ژاپن (در اقیانوس آرام و شرق آسیا) و ارتش آلمان و ایتالیا (در غرب اروپا و آفریقا) مستقیماً وارد جنگ شد.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۷)

۱۲۸- گزینه ۱»

(علیرضا رضایی)

انگلستان در سال ۱۹۱۷ م. با صدور اعلامیه بالفور نظر مساعد خود را با ایجاد سرزمین یهودی در فلسطین اعلام کرد.

(تاریخ (۳)، بنگ جهانی دوق و دهان پس از آن، صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۱۳)

۱۲۹- گزینه ۱»

(میلاد هوشیار)

سیاست موازنه مثبت، تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و اعطای امتیاز به آن‌ها را توصیه می‌کرد؛ بنابراین موافقت‌نامه واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی، اگرچه عملاً اجرایی نشد، ولی در حکم اتخاذ چنین سیاستی بود.

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، صفحه ۱۱۸)

۱۳۰- گزینه ۳»

(میلاد هوشیار)

دولت ایران پس از پیروزی در دادگاه لاهه، از انگلستان خواست که بدهی‌های شرکت نفت و خسارت‌های ناشی از تأخیر و غیره را بپردازد و چون دولت انگلستان این تقاضا را نپذیرفت، اقدام به قطع رابطه سیاسی با لندن کرد.

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، صفحه ۱۲۲)

تاریخ (۱)

۱۳۱- گزینه ۲»

(پواد میربلوکی)

سنگ‌نوشته‌ها و لوح‌های گلی، مهم‌ترین منابع نوشتاری ایرانی در دوره هخامنشیان هستند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۶۸)

۱۳۲- گزینه ۲»

(امیرمسین کاروین)

بقایای کوره‌های ذوب و قالب‌گیری مس در برخی سکونتگاه‌های کهن مانند شهداد، تل ابلیس و تپه یحیی در استان کرمان و تپه زاغه در قزوین، بیانگر آن است که در حدود ۵ تا ۷ هزار سال پیش ساکنان این سکونتگاه‌ها به فنون ذوب و قالب‌گیری مس دست یافته بودند. آثاری از معدن بزرگ مس در شهرستان بافت در استان کرمان نیز کشف شده است.

یکی دیگر از دستاوردهای صنعت فلزکاری ساکنان فلات ایران، ساخت اشیاء و ابزارهای مفرغی از طریق آمیختن مس با ماده قلع بود. مفرغ‌های لرستان، بهترین نمونه از صنعت و هنر فلزکاری ایران به شمار می‌روند.

اشیا و ظروف سنگ صابونی، از دیگر مصنوعات است که توسط مردم برخی سکونتگاه‌های کهن به‌ویژه جیرفت و تپه یحیی در استان کرمان، با مهارت و ظرافت تمام ساخته می‌شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۷۴)

۱۳۳- گزینه ۳»

(میلاد هوشیار)

از آنجا که اقتصاد بین‌النهرین نیازمند منابع طبیعی و معدنی فلات ایران بود، فرمانروایان سومری و آگدی، پیاپی به سرزمین ایلامی‌ها لشکرکشی می‌کردند. این تاخت و تازها، سرانجام سبب شد که حاکمان کوچک و مستقل ایلامی در حدود ۲۶۰۰ ق.م با یکدیگر متحد شوند و پادشاهی ایلام را تأسیس کنند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۷۶)

۱۳۴- گزینه ۴»

(پواد میربلوکی)

داربوش یکم به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۵)

۱۳۵- گزینه ۴»

(علی‌مهمد کریمی)

دولت- شهرهای یونانی به‌خصوص آتن، از تسلط ایران بر آسیای صغیر و سواحل شرقی دریای اژه ناخشنود بودند، از این رو، آتنی‌ها یکی از شهرهای یونانی‌نشین آسیای صغیر به نام میلئوس (ملطیه) را تشویق به شورش علیه هخامنشیان کردند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۶)

تاریخ (۲)

۱۳۶- گزینه ۳»

(امیرمسین کاروین)

منصور برای تحکیم و تثبیت خلافت خاندان خود، شهر بغداد را به‌عنوان پایتخت عباسیان بنا کرد.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۶۶ و ۶۷)

۱۳۷- گزینه ۱»

(کنگور قارچ از کشور ا.ا.ع)

یکی از اقدام‌هایی که به دستور عبدالملک مروان، خلیفه اموی انجام گرفت، برگرداندن خط و زبان دیوان از فارسی به عربی بود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: مذهب اسماعیلیه، علاقه فراوان و توجه خاصی به علوم مختلف، به‌ویژه فلسفه و کلام نشان می‌دادند.

گزینه «۳»: عمر بن خطاب به پیشنهاد هرمزان، یکی از فرماندهان اسیر ایرانی، دیوان جُند (سپاه) را در مدینه تشکیل داد.

گزینه «۴»: در دوره نخست خلافت عباسیان، وزیر در رأس تشکیلات دیوانی قرار گرفت.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۷۰ و ۷۶)

۱۳۸- گزینه ۳»

(پوار میربلوکی)

ترتیب زمانی نبردهای میان ایرانیان با اعراب: پیروزی سپاه ایران در جنگ جسر یا پل (۱۳ ق.) شکست سپاه ایران در نبرد قادسیه (۱۴ ق.) شکست بقایای ارتش ساسانی در جولای (۱۶ ق.) پیروزی اعراب مسلمان در جنگ نهاوند (۲۱ ق.)

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۸۰ تا ۸۳)

۱۳۹- گزینه ۲»

(پوار میربلوکی)

سلسله‌های طاهریان و سامانیان، ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و ماوراءالنهر داشتند. در واقع این دو سلسله را دودمان‌های زمین‌داری پایه‌گذاری کردند که از قدرت و نفوذ اقتصادی و پشتوانه اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای در دیار خود برخوردار بودند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۰)

۱۴۰- گزینه ۴»

(امیرمسین کاروین)

سلسله‌های ایرانی به ویژه سامانیان و آل‌بویه سهم بسزایی در رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی عصر خود داشتند. و در سده‌های نخستین هجری، مساجد، مهم‌ترین مراکز آموزشی بودند و در مساجد بیشتر شهرهای ایران حلقه‌های درس بزرگی تشکیل می‌شد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

جغرافیا (۳)

۱۴۱- گزینه ۳»

(کنکور سراسری ۱۳۰۰)

در مسئله دسترسی بین نقاط مختلف، معمولاً کوتاه‌ترین مسیر بین دو نقطه، یک خط مستقیم است. هر چه مسیر کوتاه‌تر باشد، هزینه‌های آن کم‌تر است. با این حال، مسیرها به دلایل مختلف همیشه به صورت مستقیم نیستند و اغلب انحراف و پیچ و خم پیدا می‌کنند. در تصویر صورت سؤال، «ترکیب مسیر طولانی و کوتاه با احداث تونل کوتاه» مناسب است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای عمل و نقل، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۴۲- گزینه ۳»

(رویا نیلپی)

امروزه برنامه‌ریزان تلاش می‌کنند که در برنامه‌های مختلف به جای یک شیوه حمل کالا از مبدأ تا مقصد، از دو یا چند شیوه استفاده شود تا بتوان زمان و هزینه حمل‌ونقل را به خوبی مدیریت کرد.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای عمل و نقل، صفحه ۶۵)

۱۴۳- گزینه ۳»

(علیرضا پدرا)

اتوبوس‌های برقی هزینه اولیه بسیار بالایی دارند، پس با توجه به بودجه کم، مناسب نیستند (رد گزینه ۲). تراموا و مونوریل نیز هزینه بالا و آلاینده‌گی کمتری دارند؛ بنابراین مناسب نیستند (رد گزینه‌های «۱» و «۴»).

(جغرافیا (۳)، جغرافیای عمل و نقل، صفحه‌های ۶۷ تا ۶۹)

۱۴۴- گزینه ۴»

(کتاب ژبی پیمان‌های)

برنامه‌ریزان تلاش می‌کنند برای مقابله با مشکلات حمل‌ونقل شهری تدابیری بیندیشند. مهم‌ترین راهکار بهبود حمل‌ونقل شهری، گسترش حمل‌ونقل عمومی است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای عمل و نقل، صفحه‌های ۶۷ تا ۷۰)

۱۴۵- گزینه ۴»

(کنکور سراسری نوبت اول ۱۴۰۲ - ری ماه)

با توجه به حرکت زمین از غرب به شرق، مناطق مختلف کره زمین واقع بر نصف‌النهارها بی‌دری در مقابل خورشید قرار می‌گیرند. بنابراین ابتدا نقاط شرقی و بعد مناطق واقع در غرب در مقابل خورشید قرار می‌گیرند. به طور مثال ساکنان شهر تهران به دلیل ساعت واقعی یا محلی متفاوت نسبت به پاریس طلوع خورشید را زودتر مشاهده می‌کنند.

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های جغرافیایی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

جغرافیا (۳) - اختیاری

۱۴۶- گزینه ۱»

(صفا هاضری)

بررسی عبارات نادرست:

الف) همه زمین‌لرزه‌ها خطرناک نیستند و بعضی از آن‌ها اصلاً احساس نمی‌شوند؛ بلکه فقط دستگاه‌های حساس آن‌ها را ثبت می‌کنند. هر چه عمق کانونی زمین‌لرزه بیشتر باشد، یعنی امواج مجبور به پیمودن مسیر طولانی‌تری برای رسیدن به سطح باشند، تخریب و خسارت کاهش می‌یابد. د) برای اندازه‌گیری میزان تخریب ناشی از یک زمین‌لرزه (شدت)، از مقیاس مرکالی و برای اندازه‌گیری مقدار انرژی‌ای که زمین‌لرزه آزاد می‌کند (بزرگی)، از مقیاس ریشتر استفاده می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مقایرات طبیعی، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴)

۱۴۷- گزینه ۲»

(صفا هاضری)

کانون زمین‌لرزه نقطه‌ای در عمق زمین است که در آن انرژی انباشته شده در سنگ برای نخستین بار آزاد می‌شود و گسل شروع به از هم گسیختن می‌کند.

(جغرافیا (۳)، مقایرات طبیعی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۱۴۸- گزینه ۳»

(صفا هاضری)

چنانچه حجم آب رودخانه از میانگین سالیانه آبدهی آن بیشتر شود، سیل رخ می‌دهد؛ برای مثال، اگر آبدهی یک رود به طور میانگین ۱۰۰۰ مترمکعب در ثانیه باشد، چنانچه بارندگی در حوضه آن به قدری شدید باشد که جریان آب در آبراهه از ۱۰۰۰ مترمکعب در ثانیه بیشتر شود، این رودخانه دچار سیل شده است. بیشتر رودها طی سال یک یا چند بار دچار سیل می‌شوند؛ اما همه سیل‌ها خسارت‌بار نیستند. اگر آبدهی رود آن‌قدر افزایش یابد که از ظرفیت رود فراتر برود و سرریز شود، سیل خسارت‌بار می‌شود.

در کشور ما در زمستان و اوایل بهار با ذوب برف و بارش‌های بیشتر، آبدهی رودها افزایش پیدا می‌کند و در فصل خشک کاهش می‌یابد.

(مغرافیای (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه ۸۹)

۱۴۹- گزینه ۲»

(صفا هاضری)

بررسی عبارات نادرست:

«الف»: بیشتر سیل‌ها پس از یک بارش شدید و سریع جاری می‌شوند.

«ج»: در حوضه‌های کشیده، مدت زمان طولانی‌تری سپری می‌شود تا آب جاری مسافت سرچشمه تا خروجی را طی کند.

(مغرافیای (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۰- گزینه ۴»

(کنگور، سراسری ۱۴۰)

با از بین بردن پوشش گیاهی نفوذپذیری خاک کاهش می‌یابد و در نتیجه، سرعت رواناب حاصل از بارش بیشتر می‌شود.

(مغرافیای (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

جغرافیای ایران

۱۵۱- گزینه ۴»

(صفا هاضری)

در اطراف خط استوا به دلیل گرم بودن و صعود هوا، کمربند کم فشار حاره‌ای تشکیل می‌شود و دارای آب و هوای گرم و مرطوب است. مهم‌ترین کمربندهای خشک و بیابانی کره زمین در اثر عامل پرفشار جنب حاره‌ای به وجود آمده است که کشور ما هم در داخل این کمربند خشک قرار دارد.

(مغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۳۷)

۱۵۲- گزینه ۳»

(رویا نیلپی)

مهم‌ترین سامانه بارشی در ایران، توده هوای مرطوب غربی است که در دوره سرد سال رطوبت دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را به داخل ایران منتقل می‌کند و برف و باران را به همراه دارد و موجب تأمین منابع آب می‌شود.

(مغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۳۹)

۱۵۳- گزینه ۲»

(رویا نیلپی)

در مناطق جنوبی کشور، هوای سرد و سنگین در حوالی مدارهای رأس‌السرطان و رأس‌الجدی فرو می‌نشیند و مناطق پرفشار جنب حاره‌ای را ایجاد می‌کند. نتیجه آن کم شدن رطوبت، عدم بارش و گرمی هوا در این مناطق است.

(مغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۴۱ تا ۴۳)

۱۵۴- گزینه ۲»

(کنگور، مارج از کشور، ۱۴۰۰)

سفیدرود و هراز که از طولانی‌ترین رودهای وارد شده به خزر هستند، چون از کوهستان‌های بلند و برف‌گیر تغذیه می‌شوند، دائمی هستند.

(مغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۱۵۵- گزینه ۱»

(صفا هاضری)

رودهایی که از کانون‌های آبگیر سرچشمه می‌گیرند ممکن است در جهات مختلف جریان یابند.

کانون‌های آبگیری که بیش از ۵۰۰ میلی‌متر بارش داشته باشند و حداقل در هشت ماه از سال، این بارش‌ها اتفاق بیفتند، به آن‌ها کانون‌های دائمی می‌گویند. اگر کانون‌های آبگیر در فصول سرد سال، ذخیره برف خود را تا ابتدای ماه‌های گرم سال حفظ کنند، بدون توجه به میزان بارش و زمان آن جزء کانون‌های فصلی به شمار می‌روند. در کوهستان‌های نزدیک به مناطق گرم و خشک، که گاهی بارش‌های کوتاه و اتفاقی رخ می‌دهد، نوعی کانون آبگیر موقت شکل می‌گیرد که آن‌ها را کانون‌های اتفاقی می‌نامند.

(مغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۴۹ و ۵۰)

جغرافیا (۲)

۱۵۶- گزینه «۳»

(مهمر ملک آبادی زاره - بیربند)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نوع هر زیست‌بوم و ویژگی‌های آن به عوامل مختلفی بستگی دارد. این عوامل در سطح زمین یکنواخت نیستند و متفاوت‌اند؛ بنابراین زیست‌بوم‌های متنوعی پدید آمده است.

گزینه «۲»: زیست‌بوم از تعدادی بوم‌سازگان تشکیل شده است.

گزینه «۴»: زیست‌بوم‌ها نواحی وسیع جغرافیایی هستند که در آن‌ها انواع خاص و مشابهی از گیاهان و جانوران زندگی می‌کنند و به همین سبب، یک ناحیه را به وجود می‌آورند.

(بجغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۱۵۷- گزینه «۴»

(مهمر ملک آبادی زاره - بیربند)

بیابان‌ها حدود ۳۳ درصد سطح زمین را پوشانده‌اند. با این حال این نواحی معمولاً خالی از جمعیت یا کم‌جمعیت‌اند.

نواحی ساحلی کمتر از ۱۵ درصد سطح زمین را شامل می‌شوند؛ در حالی که ۴۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند.

(بجغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۲)

۱۵۸- گزینه «۳»

(صفا هاشمی)

پدیدهٔ پخش یا انتشار فرایندی است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد.

اهمیت تنوع جغرافیایی زبان‌ها، از موضوعات مورد توجه جغرافی‌دان‌ها است. اغلب کشورهای جهان یا نواحی سعی می‌کنند زبان ملی و زبان‌های بومی و محلی خود را حفظ کنند تا هویت فرهنگی‌شان پابرجا بماند.

(بجغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۷۱ و ۷۹)

۱۵۹- گزینه «۳»

(صفا هاشمی)

پدیدهٔ پخش یا انتشار فرایندی است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب، افکار و ایده‌ها، نوآوری، وسایل و ابزار، لباس، شیوهٔ زندگی و حتی بیماری از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد.

(بجغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۷۹)

۱۶۰- گزینه «۳»

(علیرضا پررزا)

بسیاری از ادیان و زبان‌ها طی دوره‌های تاریخی در جهان گسترش یافته‌اند. دین اسلام فقط در محل ظهور یا کانون خود باقی نماند بلکه در بخش‌های وسیعی از جهان، انتشار یافت.

(بجغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۸۰)

فلسفه دوازدهم

۱۶۱- گزینه «۴»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

آموختن و تمرین کردن ریاضیات و فیزیک شاید بتواند باعث تقویت مهارت فرد در به‌کار گرفتن قوهٔ عقل خویش بشود، اما استعداد او که امری درونی و ذاتی است را نمی‌تواند تغییر دهد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

۱۶۲- گزینه «۳»

(مهمر رضایی‌بغا)

بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوامل دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی‌توان آن‌ها را درک کرد. یکی از این عوامل، «عالم عقل» می‌باشد. فیلسوفان الهی می‌گویند بسیاری از فرشتگان (ملائکه) که در کتاب‌های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آن‌ها یاد شده، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم‌اند که در عالم عقل به‌سر می‌برند. آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست، بلکه این موجودات (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می‌کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۶۳- گزینه «۳»

(مهمر سوریان)

عقل عملی در فلسفه کاربردی ندارد، زیرا مربوط به باید‌ها و نبایدهاست، ولی فلسفه مربوط به هست و نیست‌هاست. فلسفه حقیقت وجود را آنچنان که هست، درمی‌یابد، ولی عقل عملی می‌گوید فعل اختیاری انسان چگونه باید باشد، نه اینکه چگونه است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مربوط به فلسفهٔ اخلاق است، نه علم اخلاق.

گزینه «۲»: توصیف‌گری وضعیت موجود، کار عقل نظری است. عقل عملی به تجویزگری و توصیه در مورد وضعیت مطلوب می‌پردازد و می‌گوید فعل اختیاری چگونه باید باشد، نه اینکه توصیف آن فارغ از خوبی یا بدی، هم‌اکنون چگونه است.

گزینه «۴»: کشف بنیادهای دانش‌ها مربوط به فلسفهٔ مضاف است و کار عقل نظری است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۶)

۱۶۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانهای)

از نظر ارسطو عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می‌کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، «عقل نظری» نامیده می‌شود. اما عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظالم باشد، بحث می‌کند، «عقل عملی» نامیده می‌شود. بنابراین ارسطو عقل را براساس کارکرد یا موضوع آن دسته‌بندی می‌کند.

در واقع در تقسیم‌بندی ارسطو، انسان همان فاعل شناسا محور قرار می‌گیرد. آنچه مقدر انسان نیست «حکمت نظری» می‌باشد و آنچه مقدر انسان است «حکمت عملی» می‌باشد. بدین ترتیب بر محور موضوع شناخت‌های انسان این تقسیم‌بندی صورت می‌گیرد: چیزهایی که او در آفرینش آنها نقشی ندارد و چیزهایی که در آفرینش آنها مؤثر است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

۱۶۵- گزینه «۲»

(همیر سوربان)

تجربه‌گرایی همچون بیکن روش تجربی را بهترین روش کشف واقعیت می‌دانستند ولی معتقد بودند عقل محض هم ممکن است به واقعیت برسد؛ هر چند تعقل محض برای شناخت واقعیت اطمینان‌بخش و مورد اعتماد نیست.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هدف فیلسوفان دوره دوم حاکمیت کلیسا تبیین عقلی مسائل دینی بود که چنین هدفی در دوره جدید اروپا مورد نظر هیچ فیلسوفی نیست.

گزینه «۳»: هیوم اولین تجربه‌گرایی بود که چون تنها راه رسیدن به دانش و معرفت را تجربه دانست، به‌طور کامل از عقل‌گرایان جدا شد. اما او برخلاف پوزیتیویست‌هایی همچون کنت، معتقد نبود که فلسفه ناظر به واقعیت خارجی نیست.

گزینه «۴»: کاربرد این استدلال‌های عقلی محض در حوزه ریاضیات مورد پذیرش همه است. اما تجربه‌گرایان ریاضیات را ذهنی می‌دانند و معتقدند یک علم ناظر به واقعیت خارجی نیست.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۶۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانهای)

فیلسوفان مسلمان می‌گویند اساس پذیرش هر آیینی استدلال عقلانی است اما راه کسب دانش منحصر به عقل نیست. بلکه شهود و حواس هم معتبر هستند و می‌توان با ابزار قلب به شناخت رسید اما آن شناخت هم باید به تأیید عقل برسد یا حداقل مخالف عقل نباشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر اعتقاد و آیینی قبل از پذیرش، باید به تأیید عقل برسد.

گزینه «۳»: با عقل می‌توان در مفاهیم قرآن تأمل کرد و به معارف قرآن پی برد.

گزینه «۴»: ایمانی که پشتوانه عقلانی نداشته باشد، ارزش چندانی ندارد و ممکن است، «نه حتماً» انسان را به سوی کارهای اشتباه بکشد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۱۶۷- گزینه «۱»

(فیروز نژادنهف - تبریز)

تقریباً همه فیلسوفان مسلمان و برخی از فلاسفه غربی همچون هراکلیتوس و ارسطو، معتقد به عقول به‌عنوان موجودات مجرد بوده‌اند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: همه فرشتگان چنین نیستند.

گزینه «۳»: این موجودات قوه استدلال ندارند.

گزینه «۴»: خداوند مربوط به عالم عقول نیست.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۶۸- گزینه «۱»

(همیر سوربان)

از نظر فارابی و ابن‌سینا عقول متعالی به‌ترتیب از عقل اول به‌وجود می‌آیند. یعنی عقل دوم از عقل اول و عقل سوم از عقل دوم و به همین ترتیب ... بنابراین امکان ندارد یک عقل بی‌واسطه از دو عقل دیگر پدید آید یا بی‌واسطه دو عقل دیگر را پدید آورد، زیرا این اتفاق ترتیب را بهم می‌زند (رد گزینه ۲).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۳»: عقل اول مستقیماً معلول خداوند است و از عقل دیگری پدید نیامده است.

گزینه «۴»: عقل فعال، عقلی است که عامل فیض‌رسانی به عقول انسان‌هاست و آنچه برای عقول انسان‌ها پدید می‌آورد، یک عقل متعالی دیگر نیست. پس عقول می‌توانند معلولی به‌جز عقل متعالی دیگر هم داشته باشند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۱۶۹- گزینه «۴»

(علیرضا نمیری)

بنابر این گفته ابن سینا زمانی که فردی عادت کرده باشد (یعنی صرف این که یکبار بدون دلیل سخنی را بپذیرد کافی نیست)، که سخنی را بدون دلیل بپذیرد (یعنی اگر پذیرش او مبنی بر دلایل اشتباه باشد، مشمول این حکم نیست)، از حقیقت انسانی خارج شده است.

بنابراین گزینه «۱» شامل این حکم نیست چون این عبارت در مورد پذیرش «سخن» بدون دلیل بیان شده است؛ اما انتخاب یک بستنی از میان بستنی‌های مختلف از جنس سخن و اندیشه نیست و بیشتر به تمایلات نفسانی انسان مربوط است. گزینه‌های «۲» و «۳» نیز نمی‌تواند جواب صحیحی باشد چون در این گزینه‌ها افراد با دلایل اشتباه مطالبی را می‌پذیرند نه بدون دلیل. اما در گزینه «۴» از آنجایی که امیر بدون دلیل عقلانی و عقلایی و صرفاً براساس شنیده‌هایی که در سطح جامعه و اطرافیانش داشته، زمانی لیبرال و اکنون مارکسیست است، در نتیجه مشمول آن حکم ابن سینا خواهد بود و گویی از حقیقت انسانی خویش خارج شده است، چون عادت کرده که سخنان را بدون دلیل بپذیرد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۳ و ۶۵)

۱۷۰- گزینه «۴»

(علیرضا نمیری)

ابن سینا رساله‌ای به نام «معراجیه» دارد. وی در مقدمه این رساله می‌گوید: «شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیا و خاتم رسولان (ص) چنین گفت با مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزینه عقل، امیرالمؤمنین (ع) که ای علی، چون می‌بینی که مردم با انواع نیکی‌ها به سوی خالق خود تقرب می‌جویند، تو به انواع تعقل و تفکر به او تقرب جوی تا از آنان سبقت گیری» و این خطاب جز با چنین بزرگی ممکن نبود؛ زیرا او (علی) در میان خلق مانند «معقول» در میان «محسوس» بود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۶)

فلسفه دوازدهم - اختیاری

۱۷۱- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

عالم عقول از عوالم غیرمادی است و عوالم مادی و غیرمادی دارای نسبت تباین هستند. بنابراین نمی‌توانند مصداق مشترکی داشته باشند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: عقل، دستگاه استدلال انسان، از طریق برهان و شناخت عقلی به اثبات عقول می‌پردازد.

گزینه «۲»: عقول در قید زمان و مکان نیستند و فاقد جسم‌اند.

گزینه «۳»: آنچه شایستگی رسیدن به مجرد از راه تهذیب نفس را دارد، روح انسان است نه ذهن او.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

۱۷۲- گزینه «۱»

(مسین آفوندری راهنمایی)

برای شناخت شهودی نیاز به کنار گذاشتن عقل خود نداریم بلکه نیاز به تهذیب نفس داریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: انسان با عقل خود به شناخت عقول و فرشتگان می‌رسد نه با حس و تجربه حسی.

گزینه‌های «۳» و «۴»: آگاهی فرشتگان با استدلال و مفاهیم نیست بلکه با شهود است و در کارهای خود نیز نیازی به ابزار مادی ندارند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۳ و ۶۶)

۱۷۳- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

فیض خداوند از طریق عقول به سایر موجودات می‌رسد. برای مثال این فیض به عقل اول داده می‌شود بعد از او به عقل دوم و سوم و ... می‌رسد تا اینکه نهایتاً به انسان برسد. پس سایر عقول صرفاً نقش دریافت‌کننده را ندارند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: عقول موجوداتی مجرد از ماده و کاملاً روحانی و غیرمادی هستند که واسطه فیض الهی می‌باشند. عبارت گزینه «۱» کاملاً صحیح است.

گزینه «۲»: بخشی از عالم ماوراءالطبیعه و مجردات را عالم عقول تشکیل می‌دهند نه تمامی آن را.

گزینه «۴»: رابطه طولی و سلسله‌مراتبی بین عقول، موجود است و بنابر نظر فلاسفه مسلمان عقل اول نخستین مخلوق خداوند است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

۱۷۴- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنگور خارج از کشور ۹۸ - با تغییر)

- رساله «اغراض مابعدالطبیعه» شرحی بر کتاب مابعدالطبیعه ارسطو است.
- از نظر فارابی، «اتصال با ملک وحی» به رئیس مدینه امکان هدایت صحیح مدینه را می‌دهد.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه‌های ۷۵ و ۷۶)

۱۷۵- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی مانند ابن سینا عبارت است از: «فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می‌آورد و نفس خویش را به کمال می‌رساند و به جهانی عقلانی مشابه جهان واقعی تبدیل می‌شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه طاق بشری می‌گردد.» مطابق با این سخن کمال نفس انسان در تبدیل شدن او به جهانی عقلانی مشابه جهان واقعی است. این سخن بدین معناست که انسان در ادراک صورت‌های خارجی به چنان درجه‌ای از معرفت برسد که تمامی آن را کسب کند. گویی که جهان در ذهن او محقق است با این تفاوت که امری ذهنی است.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه ۷۳)

منطق

۱۷۶- گزینه «۴»

(پرگل رهمی)

متناقض قضیه صورت سؤال عبارت است از «بعضی الف ب است». بنابراین اگر قضیه صورت سؤال صادق باشد، متناقض آن کاذب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این قضیه با صورت سؤال رابطه تداخل دارد و در تداخل اگر قضیه کلی صادق باشد، قضیه جزئی نیز حتماً صادق است.

گزینه «۲»: این عبارت عکس مستوی صورت سؤال است که از نظر صدق با آن برابری می‌کند.

گزینه «۳»: «هر الف ب نیست» دقیقاً معادل قضیه «بعضی الف ب نیست» می‌باشد، پس با صورت سؤال رابطه تداخل دارد و صادق است.

(منطق، احکام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۱۷۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

اصل یا تداخل قضیه «بعضی الف ب است» می‌شود «هر الف ب است» و متناقض این قضیه «بعضی الف ب نیست» می‌باشد.

(منطق، احکام قضایا، صفحه‌های ۶۳، ۶۵ و ۶۶)

۱۷۸- گزینه «۲»

(همید سوربان)

در هر دو مقدمه لفظ «از نوع انگور» تکرار شده است ولی در مقدمه اول، مقصود، «درخت از نوع انگور» است و در مقدمه دوم، مقصود، «میوه از نوع انگور» است. پس مغالطه عدم تکرار حدوسط رخ داده است. البته این قیاس شرط دوم اعتبار را هم ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: چون مقدمات، اسنادی نیستند نیاز به استانداردسازی هست. بعد از اسنادی کردن مقدمات، معلوم می‌شود، در مقدمه اول، محمول، «خواهان آب» است ولی در مقدمه دوم، «آب» آمده است. پس حدوسط از نظر لفظی تکرار نشده است.

گزینه «۳»: حدوسط «درخت» است و مغالطه عدم تکرار حدوسط ندارد. مغالطه آن، عدم رعایت شرط سوم اعتبار است. زیرا «دارای برگ و ریشه» در نتیجه، علامت مثبت، ولی در مقدمه، علامت منفی گرفته است.

گزینه «۴»: بعد از استانداردسازی معلوم می‌شود که در مقدمه اول، محمول، «با فتوسنتز تولیدکننده» است و در مقدمه دوم، محمول، «اکسیژن را با فتوسنتز تولیدکننده» است. (موضوع این مقدمه محذوف است و باید آن را «تولیدکنندگان اکسیژن» یا «آنان» دانست). پس حدوسط از نظر لفظی تکرار نشده است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۴)

۱۷۹- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)

این قیاس شکل اول است و به دلیل این که حد وسط (الف) در هر دو مقدمه علامت منفی دارد، نامعتبر است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

رد گزینه «۱»: این گزینه شکل اول قیاس اقترانی است و فقط مقدمات آن جابه‌جا شده است.

رد گزینه «۲»: شکل اول قیاس اقترانی است، اما معتبر می‌باشد.

رد گزینه «۳»: شکل چهارم قیاس اقترانی است و فقط مقدمات آن جابه‌جا شده است.

تکلیف: هر مقدمه‌ای که موضوع نتیجه در آن آمده باشد، مقدمه اول و هر مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن باشد، مقدمه دوم است. بنابراین از طریق نتیجه می‌توانیم شکل دقیق قیاس اقترانی را به دست آوریم.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۷ تا ۷۹)

۱۸۰- گزینه «۱»

(علیرضا نمیری)

شرط سوم اعتبار قیاس عبارت از آن است که اگر علامت موضوع یا محمول نتیجه مثبت بود، در مقدمات نیز باید مثبت باشد. اگر نتیجه یک قیاس به نحوی بود که علامت موضوع و محمول آن، هر دو منفی بود (قضیه موجبه جزئی)، در آن صورت شرط سوم اعتبار قیاس در مورد آن موضوعیت نخواهد داشت. پس در واقع صورت سؤال، گزینه درست در مورد قیاسی که نتیجه‌اش موجبه جزئی است را از ما می‌خواهد.

اگر نتیجه یک قیاس معتبر موجه باشد، هر دو مقدمه آن نیز بنابر قانون نتیجه قیاس باید موجه باشد و اگر هر دو مقدمه موجه باشند این قیاس نمی‌تواند از شکل دوم باشد چون در این صورت علامت حدوسط در هر دو مقدمه منفی خواهد بود و شرط دوم اعتبار قیاس را نقض خواهد کرد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: چنین قیاسی نه می‌تواند سالبه باشد و نه کلیه.

گزینه «۳»: از آنجایی که صورت سؤال این قیاس را معتبر دانسته، بنابراین چنین چیزی نمی‌تواند در مورد آن صادق باشد چون شرط دوم صحت قیاس را نقض می‌کند.

گزینه «۴»: لزومی ندارد که هر دو مقدمه این قیاس جزئی باشد؛ مثلاً قیاس «هر الف ب است / بعضی الف ج است / بعضی ب ج است» یک قیاس معتبر است که هم شرایط صورت سؤال را داراست و هم مقدمه‌ای کلیه دارد. اتفاقاً دقیقاً برعکس این گزینه درست است! در چنین قیاسی حداقل یکی از دو مقدمه باید کلیه باشد، وگرنه قیاس نامعتبر خواهد بود.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۷)

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۷)

فلسفه یازدهم

۱۸۱- گزینه «۱»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

افلاطون و پارمنیدس، هر دو عقل را ارج بیشتری نسبت به حس می‌نهادند؛ اما تفاوتشان در این است که پارمنیدس منکر حس و افلاطون به آن باورمند بود.

افلاطون وجود حرکت در عالم محسوسات، یعنی همین طبیعت پیرامونی خودمان را موجود می‌دانست و این نمی‌تواند نقطه اشتراکی با پارمنیدس باشد.

(فلسفه یازدهم، نگاه به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

۱۸۲- گزینه «۴»

(عمیر سوریان)

اگرچه معارف وحیانی و دین مورد تأیید همه فیلسوفان مسلمان بود، ولی لزوم تأیید گرفتن فلسفه از دین را ملاصدرا (صدرالمتألهین) وارد فلسفه کرد. البته به گفته علامه طباطبایی، امکان پیوند پیدا کردن عقل و شرع و شهود و ارتباط فلسفه و دین و عرفان با یکدیگر، مورد تأیید فارابی، ابن سینا، سهروردی و خواجه‌نصیرالدین طوسی هم بوده است و ریشه این نظر در کلمات این فیلسوفان دیده می‌شود ولی ملاصدرا موفق شد به این مقصد برسد و این پیوند سه‌جانبه را برقرار کند. (رد قسمت سوم گزینه ۱ و قسمت اول گزینه ۲). البته پیوند فلسفه و عرفان کاری بود که سهروردی هم انجام داد و وجه اشتراک او با ملاصدرا محسوب می‌شد.

نکته: پیوند عقل و شرع و شهود مورد تأیید همه فیلسوفان مسلمان بود ولی فقط ملاصدرا و فیلسوفان بعد از او این پیوند را برقرار کردند و فیلسوفان اشراقی هم فقط پیوند عقل و شهود را برقرار ساختند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ابن سینا برخلاف ملاصدرا با اینکه به شهود توجه داشت و آن را تبیین کرد، اما از نسبتش با فلسفه سخنی به میان نیاورد. قسمت سوم این گزینه نادرست است.

گزینه «۲»: پیوند عقل و شرع و شهود نظری بود که ریشه آن در کلمات ابن سینا هم دیده می‌شود. در ضمن، هویت استدلالی فلسفه مورد قبول سهروردی هم بوده است.

گزینه «۳»: نه ملاصدرا و نه سهروردی و نه هیچ فیلسوف دیگری، شهود را در روش فلسفه معتبر نمی‌دانند و همه فیلسوفان روش فلسفه را صرفاً استدلال عقلی می‌دانند. بهره‌مندی از شهود در فلسفه به معنای کنار گذاشتن روش عقلی نیست بلکه شهود می‌تواند تأییدکننده، جهت‌دهنده، اطمینان‌بخش و به ثمره قلبی رساننده مطالب فلسفی باشد.

(فلسفه یازدهم، نگاه به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۸۳- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

در دوره جدید فلسفه در اروپا به معرفت‌شناسی توجه ویژه‌ای شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دوره جدید فلسفه در اروپا هم با پیشگامی تجربه‌گرایان و هم عقل‌گرایان آغاز شد.

گزینه «۳»: به معرفت‌شناسی پس از این دوران توجه شد، نه قبل از آن.

گزینه «۴»: از قرن شانزدهم و با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز شد.

(فلسفه یازدهم، نگاه به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۴)

۱۸۴- گزینه «۲»

(پرکل رهیمی)

نسی‌گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هرکس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

(فلسفه یازدهم، نگاه به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۶)

۱۸۵- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

از نظر ارسطو قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است نه بدن.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان، صفحه ۷۲)

۱۸۶- گزینه «۱»

(مهمر رضایی‌بغا)

از نظر افلاطون، نفس بالارزش‌ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد. او می‌گوید: «تنها موجودی که به‌طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.» او همچنین می‌گوید: «نفس، جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیرفانی و جاوید است.»

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان، صفحه ۷۲)

۱۸۷- گزینه «۱»

(موسی سپاهی - سراوان)

دکارت بدن را ماشینی پیچیده می‌داند و روح را مسئول استدلال، پذیرش یا رد می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: دکارت معتقد است که بدن به‌طور خودکار فعالیت می‌کند.



انسان‌ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده‌اند و این زیست اجتماعی آن‌ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نظر ماتریالیست‌ها

گزینه «۲»: نظر داروینیست‌ها

گزینه «۴»: هیچ تفاوت واقعی بین انسان و حیوان وجود ندارد و فقط بین آن‌ها از نظر پیچیدگی تفاوت هست.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۱۹۰- گزینه «۳» (علیرضا نصیری)

داروینیست‌ها معتقد بودند که میان انسان و سایر حیوانات تفاوت حقیقی‌ای وجود ندارد و انسان صرفاً حیوانی‌ست پیچیده‌تر از سایر حیوانات. پذیرش این عقیده توسط داروینیست‌ها منجر به این شد که ارزش‌های ویژه‌ای را که برای انسان قابل تصور است، مانند فضیلت‌گرایی فطری و افعال اخلاقی، از انسان نفی کنند و او را از این حیث مساوی سایر حیوانات قرار دهند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: داروینیست‌ها فیلسوف بودند و عقاید و اندیشه‌های فلسفی آن‌ها باعث چنین استنتاجاتی شد نه عقاید زیست‌شناسانه. این افراد از نظرات زیست‌شناختی داروین نتایج فلسفی گرفتند.

گزینه «۲»: دکارت نیز معتقد بود که بدن انسان ماشینی بسیار پیچیده و خودکار است و بدون نفس نیز قابلیت حیات دارد و این پیچیدگی مضاعف را از تفاوت‌های انسان با حیوان می‌داند؛ اما اختلاف دکارت با داروینیست‌ها در این است که آن‌ها، این پیچیدگی را «تنها» وجه تفاوت انسان با سایر حیوانات می‌دانند، ولی دکارت به تفاوت‌های دیگری نیز میان آن‌ها قائل است. از آن جایی که در این گزینه قید «تنها» وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان آن را صحیح تلقی کرد.

گزینه «۴»: داروینیست‌ها اصلاً معتقد به فضیلت‌گرایی فطری نیستند که بخواهند آن را تبیین کنند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

گزینه «۳»: از نظر وی «من» همان روح یا نفس است که مرکز اندیشه‌های ما است.

گزینه «۴»: دکارت روح را از قوانین فیزیکی آزاد می‌داند ولی بدن را آزاد نمی‌داند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان، صفحه ۷۳)

۱۸۸- گزینه «۲» (علیرضا نصیری)

کانت در استدلال خود مبنی بر اثبات نفس مجرد از ماده و مفارغ از بدن (آن‌طور که در کتاب درسی مطرح شده)، در واقع از دو قیاس کمک می‌گیرد که صورت منطقی آن‌ها چنین است:

قیاس اول)

مقدمه اول - انسان موجودی اخلاقی است.

مقدمه دوم - موجودی اخلاقی بودن نیازمند اراده آزاد است.

نتیجه: انسان نیازمند (دارای) اراده آزاد است.

قیاس دوم)

مقدمه اول - انسان دارای اراده آزاد است.

مقدمه دوم - دارای اراده آزاد، دارای نفس مجرد است.

نتیجه: انسان دارای نفس مجرد است.

حال اگر به‌نحوی، هریک از مقدمات این براهین نقض شوند، نتیجه نیز نقض و مخدوش خواهد شد. گزینه «۲» که در واقع مقدمه اول از قیاس دوم را نقض می‌کند، نتیجه اصلی را نیز مخدوش خواهد ساخت. سایر گزینه‌ها با هیچ یک از مقدمات این برهان در تعارض نیستند؛ این که برخی از افعال انسان غیراخلاقی یا غیرارادی باشند، برهان کانت را مخدوش نمی‌کند. همچنین فیزیکی بودن کارکرد بدن نیز تعارضی با گفته کانت ندارد.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۸۹- گزینه «۳» (سبا معفرزاده صابری)

از نظر ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد. مثلاً اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می‌کند، به این دلیل نیست که فضیلت‌گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که



اقتصاد

۱۹۱- گزینه «۴»

(مبیین فزینی)

وسیله پرداخت‌های آینده: در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند، می‌تواند وسیله مناسبی برای پرداخت آینده نیز باشد. این وظیفه پول در روزگار ما کاملاً محسوس است؛ زیرا بیشتر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت می‌گیرد. خرید اقساطی و رد و بدل کردن حواله‌های بانکی نیز از همین نوع است.

وسیله سنجش ارزش: با پول می‌توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آن‌ها را با هم سنجید. عملاً پول، کار خرید و فروش کالاهای مختلف و تبدیل قیمت‌ها را به یکدیگر آسان می‌کند. هر یک از کشورها دارای واحد ارزش خاص خود هستند؛ مثلاً واحد ارزش در اتحادیه اروپا یورو، در آمریکا دلار و در ایران ریال (تومان) است.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۹۸)

۱۹۲- گزینه «۱»

(آفرین سایبری)

ابتدا باید نرخ تورم کشور «ج» را محاسبه کنیم:

$$\text{نرخ تورم} = \frac{\text{قیمت ابتدای سال} - \text{قیمت انتهای سال}}{\text{قیمت ابتدای سال}} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد} = ۳۰ = \frac{۶۵۰۰ - ۵۰۰۰}{۵۰۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{۱۵۰۰}{۵۰۰۰} \times ۱۰۰$$

$$\text{نرخ تورم کشور «ج»} = \frac{۱}{۳} = \text{نرخ تورم کشور «الف»}$$

$$\text{درصد} = ۱۰ = \frac{۱}{۳} \times ۳۰ = \text{نرخ تورم کشور «الف»}$$

$$\frac{x - ۴۵۰۰}{۴۵۰۰} = \frac{۱۰}{۱۰۰} = \frac{x - ۴۵۰۰}{۴۵۰۰} \Rightarrow ۰/۱ = \frac{x - ۴۵۰۰}{۴۵۰۰}$$

$$\Rightarrow ۴۵۰ = x - ۴۵۰۰ \Rightarrow x = ۴۵۰ + ۴۵۰۰ = ۴۹۵۰$$

$$\text{درصد} = ۱۰ = \text{نرخ تورم کشور «الف»} = \text{نرخ تورم کشور «ب»}$$

$$\frac{۱۳,۲۰۰ - x}{x} = \frac{۱۰}{۱۰۰} = \frac{۱۳,۲۰۰ - x}{x} \Rightarrow ۰/۱ = \frac{۱۳,۲۰۰ - x}{x}$$

$$\Rightarrow ۰/۱x = ۱۳,۲۰۰ - x \Rightarrow ۰/۱x + x = ۱۳,۲۰۰$$

$$\Rightarrow ۱/۱x = ۱۳,۲۰۰ \Rightarrow x = \frac{۱۳,۲۰۰}{۱/۱} = ۱۳,۲۰۰$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

۱۹۳- گزینه «۱»

(مهوری کلردان)

الف) غلط است؛ اینکه کشورها در شرایط سخت پیش‌بینی نشده چه واکنشی نشان می‌دهند، به قدرتمند بودن آنها بستگی دارد.
ب) صحیح است.

پ) غلط است؛ اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش بنیان که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی آسیب‌ناپذیر است و با اتکا به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان، به زانو در نمی‌آید.

ت) غلط است؛ استقلال اقتصادی به معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست و هر کشوری برای پیشرفت، به تعاملی منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۵)

۱۹۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

$$\text{ارزش پولی حساب‌های جاری مردم} = \frac{۲۰}{۱۰۰} \times \text{ارزش مسکوکات}$$

$$\text{واحد پولی} = \frac{۲۰}{۱۰۰} \times ۴۰۰ = ۸۰ = \text{ارزش مسکوکات مردم}$$

حساب‌های جاری اشخاص همان سپرده‌های دیداری است.

$$\text{چک پول} + \text{سپرده‌های دیداری} + \text{اسکناس و مسکوکات} = \text{حجم پول}$$

$$\text{واحد پولی} = ۴۴۳۰ = ۸۰ + ۲۳۰۰ + ۴۰۰ + ۱۶۵۰ = \text{حجم پول}$$

$$\text{حساب‌های پس‌انداز بلندمدت} + \text{حساب پس‌انداز کوتاه‌مدت} = \text{شبه پول}$$

$$\text{واحد پولی} = ۱۷۰۰$$

$$\text{واحد پولی} = ۱۱۸۰ = ۱۷۰۰ - ۵۲۰ = \text{حساب پس‌انداز کوتاه‌مدت}$$

$$\text{شبه پول} = \text{حجم پول} = \text{نقدینگی}$$

$$\text{واحد پولی} = ۶۱۳۰ = ۴۴۳۰ + ۱۷۰۰ = \text{نقدینگی}$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۹۸)

۱۹۵- گزینه «۲»

(مبیین فزینی)

دلایل به‌وجود آمدن تورم در جامعه:

- ۱- نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزونی تقاضا بر عرضه)
- ۲- یکی دیگر از دلایل وجود تورم در جامعه: هماهنگ نبودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید
- ۳- در کشور ما: افزایش درآمدهای نفتی (اگرچه گاهی به افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک کرده است)، باعث رشد درآمدهای اقتصادی و رشد حجم نقدینگی شده است که تورم‌زا است.
- ۴- در کشور ما: نوسانات نرخ ارز هم می‌تواند اثر منفی بر ارزش پول ملی ما بگذارد و باعث کاهش قدرت خرید پول ملی و در نتیجه منجر به تورم شود.
نکته: کاهش قدرت خرید پول، کاهش رفاه و امنیت اقتصادی مردم، بی‌ثباتی فضای کسب و کار، عدم توانایی پیش‌بینی درست تولیدکنندگان و بازرگانان از آینده قیمت‌ها در بازار همگی از پیامدهای تورم می‌باشند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳)



۱۹۶- گزینه «۴»

(موری ضیائی)

الف) گاهی افراد با شنیدن کاهش نرخ تورم به اشتباه انتظار دارند که سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد و به عبارتی دیگر، کالاها ارزان‌تر شده باشند (رد گزینه ۲). زمانی که گفته می‌شود نرخ تورم از ۱۵ درصد به ۱۰ درصد رسیده است به این معناست که سرعت رشد قیمت‌ها از ۱۵ درصد به ۱۰ درصد رسیده است؛ بنابراین سرعت رشد قیمت‌ها ۵ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر قیمت‌ها همچنان در حال افزایش هستند و این به معنای آن است که قدرت خرید پول نیز کاهش می‌یابد (رد گزینه‌های ۱ و ۳).

ب) دولت به دو روش می‌تواند عرضه را افزایش دهد؛ روش اول آن است که ظرفیت‌های تولیدی را افزایش دهد؛ اما از آنجا که این روش معمولاً زمان‌بر است، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم کنند. (اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۴)

۱۹۷- گزینه «۳»

(کنکور سراسری - تیرماه ۱۴۰۲)

- به سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای «مدیریت حجم نقدینگی» و «حفظ ارزش پول» اعمال می‌کند، «سیاست‌های پولی» می‌گویند.

انواع سیاست‌های پولی: ۱- کاهش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انقباضی): مانند: فروش اوراق مشارکت به مردم ۲- افزایش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انبساطی): مانند: خرید اوراق مشارکت در دست مردم

انواع سیاست‌های پولی	در چه شرایطی این سیاست توسط بانک مرکزی به کار گرفته می‌شود؟	یکی از روش‌های اعمال این سیاست: (سیاست بازار باز (فروش یا خرید اوراق مشارکت))
کاهش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انقباضی)	زمانی که اقتصاد کشور دچار تورم می‌شود، برای دچار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن	بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به مردم، به طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد و تورم را کنترل و نقدینگی در گردش را کاهش دهد.
افزایش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انبساطی)	در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.	بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به طور مستقیم بیکاری افزایش می‌یابد. نقدینگی بیشتری را به جامعه تزریق کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۳)

۱۹۸- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

به ترتیب هر یک از عبارات صورت سؤال به ویژگی‌های دولت در دوران: قاجار، نیمه اول حکومت صفویه، قاجار و حکومت پهلوی اشاره دارد.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۱۰)

۱۹۹- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

الف) در بخش اقتصادی قانون اساسی، بر آموزه‌هایی همچون اقتصاد مردمی، نفی سلطه بیگانگان، استقلال اقتصادی، حقوق اقتصادی شهروندان و عدالت اقتصادی تأکید شده است.

ب) دستیابی به اهداف اقتصادی و سیاسی که در قانون اساسی بازتاب دارد، مستلزم غلبه بر ضعف‌ها و بیماری‌های ساختاری اقتصاد ایران است.

پ) بیماری‌هایی همچون وابستگی به درآمدهای نفتی، مصرف‌گرایی، واردات بی رویه، بهره‌وری و کارایی اندک شرکت‌های تولیدی، تورم، بیکاری و ... همه و همه نیازمند تفکر راهبردی و ارائه طرح‌های سنجیده برای اقدام و عمل است.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۱۱)

۲۰۰- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

الف) مسیر تکاملی پول: کالاهای بادوام ← پول فلزی ← پول کاغذی ← پول تحریری ← پول الکترونیکی

ب) نقش اصلی پول در مبادلات، تسهیل مبادله است.

یکی از وظایف پول، وسیله پس‌انداز و حفظ ارزش است. افراد پول‌هایی را که نزد خود پس‌انداز کرده‌اند، به‌عنوان وسیله حفظ ارزش در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌دهند. این وظیفه زمانی تحقق می‌یابد که پول بتواند در مقابل سطح عمومی قیمت‌ها ارزش خود را حفظ کند.

پ) انسان‌ها به تدریج زمانی که کالاهای خود را با هم مبادله می‌کردند، به تجربه دریافته‌اند که بعضی از کالاها مشتریان بیشتری دارند و مردم به آن‌ها علاقه بیشتری نشان می‌دهند. در ایران هم غلات خواهان بیشتری داشت. ساکنان این مناطق حاضر بودند کالاهای اضافی خود را با این کالا معاوضه کنند؛ زیرا اطمینان داشتند که با دادن این کالا می‌توانند کالاهای مورد نیاز خود را دریافت کنند؛ بدین ترتیب، این نوع کالا به‌عنوان اولین پول مورد استفاده قرار گرفت.

ت) پشتوانه رسیده‌ها، طلا و نقره‌ای بود که نزد صرافان و بازرگانان نگهداری می‌شد.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۹۴، ۹۵ و ۹۸)